ORIENTAL SECTION

هفته‌نامه
پرخاش
تأسیس ۱۳۲۵
دوره پیروزی

شماره ۱۷ چهارشنبه دهم مرداد ماه ۱۳۵۸ تک شماره ۱۰ ریال

تحریکات خارجی برای انفجار ادامه دارد

ترسم نرسی بکعبه ...

آتش اختلاف در سرتاسر کشورزبانه‌کشیده‌و در هرگوشه‌ای از این سرزمین بلادیده چنان نغمه‌هائی ساز گشته است که تا اعماق‌استخوان‌مردم‌وطن پرست را میسوزاند.

درحالتی‌که‌دلها‌درنگرانی از عاقبت کار کشور مالامال‌خون شده‌است‌و در چهره هرروشنفکر میهن خواه که بنگرید علامات سئوال و نگرانی بیش از حد را بوضوح می‌بینید دولت گوئی‌در جای‌دیگرو درحال و هوائی‌دیگر زندگی‌میکندو میخواهدعجولانه کارانتخابات قانون اساسی‌رادر آتش و خون بپایان ببرد امروز مردم کشور ما در حالتی بپای صندوق میروند که بسیاری از دستجات‌ازمغزسرتاپابسلاحهای کشنده‌مسلح‌هستندوابائی‌ندارند که برای پیشبرد اهداف خود بدون‌پروا ازاین‌سلاحهااستفاده کنند‌هنوزششماه از پیروزی‌عظیم مردم سلطنت زده ایران‌نگذشته است که طبقه حاکم از تزلزل احتمالی پایگاههایش به‌نگرانی دچار شده‌است‌و هرروزبرای‌نشان دادن موقع و مقام خود بتظاهر دست میزند.

باید‌بپذیریم که‌این‌نگرانی نو دولتیان بیجانیست‌و بحکم همین سیل خروشان نارضایتی‌ها باید هم که گاه و بیگاه باندازه گیری‌نیروها اقدام کنند ولی‌اگر صادقانه با مطلب روبرو شویم‌از اعتراف باین حقیقت ناگزیریم که‌حقا "این همه نگرانی دربرابر این مدت کوتاه غیرمنتظره‌است ونباید‌مردم متحد کشور ما باین زودی گرفتار نفاق وچنددستگی میشدند.

شدت‌مظالم رژیم پادشاهی و استمرار فساد و جنایات‌غیر انسانی در طول پنجاه‌وپنج‌سال بالاخص۲۵ ساله اخیر همه‌مردم رابخیابان‌وصحنه مبارزه کشانید بطوریکه حسب آثار منتشره‌بیش ازبیست‌ملیون ایرانی بجمهوری اسلامی رای دادند وبرابرهمین ارقام‌به بیان سخنگوی دولت‌در تظاهر و راه‌پیمائی وحدت/۱۱ ملیون‌بحمایت‌ازانقلاب‌راه‌پیمائی کرده‌اند.

این‌حقیقت‌نیازی‌به‌برهان ندارد که برای از بین رفتن پایگاههای اجتماعی یک‌حکومت باید سالیان دراز و با شقاوت و تزئیناتی که همه‌در دوران‌شاه سابق شاهد بوده‌ایم بخیانت و جنایت دست بزند تا مردم‌یک جامعه یک زبان برعلیه آن‌نظام قیام‌واقدام‌کنندوطبیعی است‌که با همه نارسائیها تصور از بین رفتن سریع پایگاههای حکومت انقلاب بسیار کودکانه است چه باهمه‌بی‌ترتیبی‌ها و نابسامانیها آنچه برمردم و کشور میگذرددر برابرجنایات‌شاهنشاهی قطره‌ای از دریا را هم تشکیل نمیدهد.

ولی در برابر دیدیم که‌با سرعتی‌درحدود‌پنجماه‌موج نا ـ رضائی‌کشور را درحدی‌فراگرفته است‌که‌توجه همه محافل‌رابخود جلب کرده است ولی متاسفانه درهمه مواردبجای قلع ریشه‌نا ـ رضائی‌بشیوه‌های منسوخه دست میزنیم و برهرانتقاد که اکثرا" هم بیغرضانه‌است مهرضدانقلاب و صهیونیسم میگذاریم.

هنگامیکه مردم کردستان از دست پاسداران دست بکوچ اعتراض میزنند و حتی خوردن بلوط رابمراجعت‌ترجیح میدهند بجای‌انحلال‌کمیته و فراخواندن پاسداران چرا آنها را باین‌وآن می‌چسبانیم؟

درکاردادگاهها‌ومحاکمات صدهاتذکرقابل‌توجه را میشنویم وهنگامی‌که‌تنی‌چند جاهل‌ناوارد باقدامات‌آبروبرباده‌درسرزمین بیگانه‌دست‌میزنند‌دربرابراقدام ظاهرا"معقول‌آن،دولت‌چوب‌تکفیر رابجان‌آن‌دولت‌میکوبیم‌وبجای تبری ازاین اقدامات ناروا سرنا را از سرگشادش بصدا میآوریم هفته‌گذشته یکی از سفرای‌دولت

بقیه درصفحه ۷

استمداد مهندس بازرگان از دکتر سنجابی درباره کردستان

مردم عمل میخواهند نه حرف ☆

شرایط آموزشی باخواست جامعه منطبق نیست ★

نجات کشاورزی، استقلال واقعی مملکت است

کمونیست ارشاد باید گردد

نقش شگرف موسیقی

خاندان سوپر استعمار علم

☆ نماینده کشاورزان در مجلس خبرگان

در عزای خلیل ملکی وجلال آل احمد

چگونه فلسطین تقسیم شد

□

عشق انقلابی هلاکو خان

قربان، میروم دم آخور!

... معروف است "فتحعلی‌شاه "طبع شعری‌داشته وگه‌گاهی که بر سردوق‌میآمده، ابیاتی سرهم میکرده‌که گاهی ـ اوقات هم در قافیه آنها در میمانده. و بهمین مناسبت ضمن‌اینکه‌از "ملک‌الشعرای‌صبا" کمک می‌طلبیده، برخی اوقات "تصدیق" هم میخواسته‌است. جالب اینکه اگر گاهی، ملک ـ الشعرا درباره اشعار شاه، نظر نامساعد میداده، محکوم بودم است‌که سرش رابآخور ببندند.

روزی‌شاه، شعری‌می‌سراید و از ملک نظر میخواهد، ملک ـ الشعرا پس از شنیدن شعرشاه، بدون‌اینکه‌نظری‌بدهد، تعظیمی کرده وبراه میافتد، شاه سؤال میکند: کجا میروی؟ ملک با قیافه‌ای حق بجانب و در عین حال معنی‌دار میگوید:

قربان، میروم دم‌آخور...!

... در این دوران پس از "انقلاب"که‌قاعدتا" نخستین آثار و علائم آن "آزادی‌است، گاهی انسان با افرادی مواجه میشود و با مسائلی برخورد مینماید که خودبخود، داستان فتحعلی‌شاه و ملک‌الشعرای‌صبا را در خاطر زنده میکند. و ناخودآگاه این سؤال در ذهن انسان بوجود میآید که: پس بین "گذشته" و "حال" چه تفاوتی بوجود آمده است؟

قبل از انقلاب سخن بر سر این بود که: ساواکی ها، بمال‌وجان وناموس مردم تجاوز میکنند و واقعا" هم میکردند، صحبت از این بود که "ارتش" بروی خواهران و برادران خود شمشیر میکشد و آنها را بنام تامین امنیت و آرامش بگلوله می‌بندد که سخنی بسیار بجاو پسندیده بود زیرا ارتش از فرزندان‌همین‌ملت تشکیل شده بود و نمی‌بایست بروی‌برادران و خواهران و پدران و مادران خودآتش بگشاید، سخن براین منوال جاری بود که در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی چرا باید "ادارات حفاظت" وجود داشته باشد و کارکنان زحمتکش دولت را زیر کنترل و نظارت بگیرد و برای آنها "پرونده" بسازد. مردم‌ناراضی فریادشان از کارهای شهرداری بخصوص ماده ۱۰۰ بآسمان‌بلند

بقیه درصفحه ۷

راه مصدق پیروز است

دکتر عبدالکریم انواری نماینده شایسته دین و دانش نواده مرحوم سودائی دستگردی و فرزند خلف طبیب متدین وآزاده دکتر ابراهیم انواری
دبیر شورای‌مرکزی جبهه‌ملی‌ایران ونایب‌رئیس کانون وکلاء ـ دادگستری، عضو شورای نویسندگان پرخاش
کاندیدای مردم آزاده ومتدین اصفهان برای مجلس خبرگان

ستاد انتخاباتی جبهه ملی ایران

MANCHESTER
1824
The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

ترجمه کاظمی خلخالی

چگونه فلسطین تقسیم شد

تبانی دو دولت آمریکا و انگلیس برای باز گذاردن جلو مهاجرین یهود بفلسطین موجب بیخانمان‌شدن ۷۸۰ هزار عرب فلسطین گردید.

درشماره گذشته گفتیم کمیسیون تحقیق دو راه حل مجاز برای مشکل فلسطین پیشنهادکرد. ۱ـ طرفداری ازنظریه اقلیت یهود. خواسته اقلیت این بود که تحت الحمایگی پایان پذیرد و دولت واحدی‌مرکب ازعرب و یهود تشکیل شود ـ بیت‌المقدس هم مرکز حکمرانی این دولت باشد ۲ـ حمایت از نظریهٔ اکثریت منتها در این پیشنهاد آمده بود (که تحت الحمایگی فلسطین خاتمه‌یابد و این‌کشور بدو قسمت تقسیم گردد و دو دولت عرب و یهود تشکیل شود. بیت‌المقدس هم تحت نظارت سازمان ملل اداره‌شود.) و دو دولت عرب و یهود با یک اقتصاد واحداداره شوند. لکن اعراب با تقسیم فلسطین مخالفت کردند و چنین استدلال نمودند که (این پیشنهاد با قانون و عدالت و موازین دموکراسی انطباق ندارد ـ وانگهی تقسیم فلسطین مخالف با خواسته‌اکثریت‌ساکنین‌آن‌می‌باشد.) بعدهم اعراب‌دراین‌مسئله‌که سازمان‌ملل‌نمیتواندوطن‌موروثی عده‌ای‌رابرخلاف‌تمایل‌آنان‌تقسیم‌کند. تقاضاکردندهمه‌مسایل‌مربوط‌بامورفلسطین‌بدادگاه‌بین‌المللی‌ارجاع شود ـ زیراسازمان‌ملل‌برای‌تقسیم فلسطین‌برخلاف تمایل ساکنینش مجوزی ندارد.

چون نیروی سیاسی که‌خواستارتقسیم فلسطین بود ازحیث اقتصاد و سازمان نیرومند بود نگذاشت سازمان ملل کوشش خود را برای صدوردستورقانونی برخلاف آنچه‌که آنها خواسته بودند مبذول دارد. این بود که آن نیرو دراثر حمایت بعضی از دول بزرگ توانست هر پیشنهادی را که مبتنی بر احاله مسالـه فلسطین‌به محکمه بین‌المللی بود خنثی کند، بعضی از مردم درآن‌موقع میگفتند ارجاع این مسئله که (آیا سازمان ملل حق تقسیم فلسطین را از نظرقانونی دارد یا خیر) بمحکمه عدل بین‌المللی موید آنستکه‌قوانین بین‌المللی دراین باره رسیدگی نخواهدکرد) معهذا برخلاف مخالفت اصولی‌اعراب مجمع‌عمومی در ۲۹ تشرین دوم (نوامبر سال ۱۹۴۷) با ۲۲ رای موافق و ۱۳ رای مخالف و ۱۰ رای ممتنع با پیشنهاد تقسیم فلسطین با اعمال تغییرات جزئی در مرزهای دو دولت (عرب و یهود) موافقت کرد. مرزهائیکه برای دو دولت نامبرده تعیین شد در ملحقات کتاب (فلسطین در پرتو حق و عدالت) ضبط‌است خوانندگان گرامی میتوانند برای کسب اطلاعات بیشتر به آن مراجعه کنند.

درآن هنگام شایع بود که آراء مجمع عمومی مبنی بر تایید تقسیم فلسطین بواسطهٔ فشار صهیونیسم و نیروی‌سیاسی طرفدار او صادر شده است. همچنین ۹ روز قبل از رای گیری شایع بود که پیشنهاد تقسیم فلسطین با دو سوم آرای مجمع عمومی رد خواهد شد لکن عوامل گوناگون و وقت گذرانیهای صهیونیسم و نیروی سیاسی طرفدار او یعنی ایالات متحده آمریکا فرصت داد تا در این باره به (چین ـ یونان ـ اتیوپی ـ هائیتی ـ لیبریا فیلیپین) که همه این‌دول از جمله طرفداران رد پیشنهادتقسیم بودند فشار بیاورند. منتها یونان تنها کشوری بود که در مقابل فشار آمریکا ایستاد و بقیه بنفع تصویب پیشنهاد رای دادند.

ترومن (رئیس جمهوری وقت آمریکا) برای پیروزی‌در رای گیری مجمع عمومی و تایید پیشنهاد تقسیم از نفوذ شخصی خود استفاده کرد (بیتمان ب. بکر) ـ در این باره چنین میگوید (دولت آمریکابرخلاف حق و عدالت ازنفوذ خود برای تصویب و مجاز جلوه دادن پیشنهاد تقسیم استفاده نمود.) . دکتر استفن ب. ل رئیس جامعه آمریکا در بیروت از فشار آمریکا به دولت‌های دیگر برای‌تصویب پیشنهادتقسیم چنین تنقید میکند (مشورتهای سیاسی که در مجمع ملل‌متحد منتهی به تصویب پیشنهاد کمیسیون مبنی بر تقسیم فلسطین شد یکی از صفحات سیاه تاریخ آمریکا میباشد. چون در این جا شکی نیست که فشار آمریکا بدولتهای بزرگ و کوچک دیگر منجر بقبول توصیه تقسیم فلسطین بارعایت وحدت اقتصادی در جلسه ۲۹ تشرین دوم (نوامبر سال ۱۹۴۷) در مجمع عمومی گردید. و این فشار موثر آمریکا در مورد تقسیم فلسطین چیزی است که باید همه مردم بدانند باعث بوجود آمدن نفرت فجیع جهانیان نسبت بدولت آمریکا بویژه درجهان عرب و اسلامی گردید.

آگهی تاسیس شرکت

خلاصه شرکتنامه و اساسنامه شرکت اصفهان المیرا با مسئولیت محدود که در تاریخ ۵۸/۴/۱۰ تحت شماره ۲۰۲۰ دراین‌دایره بثبت‌رسیده است برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی کشورویکی از جراید کثیرالانتشار محلی آگهی میشود.

۱ـ موضوع‌شرکت انجام کلیه کارهای آبی حفاری چاه‌های عمیق پمپاژآبیاری آبرسانی (قطره‌ای‌بارانی) و هرنوع اقدامیکه با موضوع شرکت ارتباط داشته‌باشد.

۲ـ مرکزاصلی‌اصفهان خیابان‌شیخ‌بهائی‌ساختمان‌مستجاب طبقه چهارم.

۳ـ سرمایه‌شرکت مبلغ یکمیلیون ریال نقدی است که‌تماما پرداخت شده است.

۴ـ مدت‌شرکت‌ازتاریخ دوم تیرماه یکهزار و سیصدوپنجاه وهفت بمدت نامحدود

۵ ـ موسسین‌آقایان‌فضل‌اله‌زاهدی‌نژاد عباس اسعدی مرتضی فاضلی محمدرضا بدر اصفهانی

۶ ـ مدیران و صاحبان امضاء آقای‌فضل اله زاهدی نژاد بسمت مدیرعامل آقای عباس اسعدی بسمت رئیس هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند و کلیه اوراق و اسناد مالی و تعهدات شرکت بامضاء مدیرعامل و مهرشرکت معتبراست.

۴۵۵/م الف ش ـ آ ۱۷۴

عبدالحسین‌فزوه. مسئول ثبت شرکتهای‌ثبت‌اصفهان

الیگارشی درایران

خاندان سوپراستعمارعلم «۲»

نوشته : ابوالفضل قاسمی

اسمعیل خزیمه علم

میدانیم پس ازسالها فرمانروایی فئودالیته در ایران به زمان صفویان نخست حکومت متمرکز ایرانی پس از قرنهادر ایران درست شد، نوعی نظام اداری و مالی حاکم براجتماع پراکنده‌گردید. خاندان علم تا آنموقع مستقلا" درجنوب‌خراسان و سیستان فرمانروایی می‌کردند، بهرنحو که دلشان میخواست به استثمار ایرانیان می‌پرداختند، هر نیروی قهار را در پیرامون قلمرو خود میدیدند فورا" با آن همبستگی مییافتند و یا از جلوی پای خود بیرحمانه دور می‌کردند.

ولی‌همینکه‌صفویان باتمام قدرت حکومت همه‌خطه ایران را بدست گرفتند خاندان علم نیز خود را دراختیار آنهاگذاشتند. برجسته‌ترین افراداین خاندان که‌نامی از آن در تواریخ آمده است اسماعیل‌خان خزیمه‌است.

اسماعیل‌خان‌بهنگام‌ضعف و ناتوانی صفویان طبق زوال دیرین‌خانوادگی‌به قاینات‌باز ـ گشت و با ملک محمود سیستانی از در سازش درآمد با همزیستی مسالمت‌آمیز وسیاست سازشکاری به غارت مردم (قهستان) سر گرم بود تا جای خود را به فرزندانش داد. مراجع و ماخذ صفوی ونادری اشارات ضعیف به این‌مطلب کرده‌اند ولی ستایشگر بزرگ این خاندان با همه جانبداری‌درپرده‌چنین‌می‌نویسد **(ایل خزیمه علم تا موکب شاه تهماسب صفوی برحسب دعوت نادرشاه افشار بعد از تصفیه خراسان به مشهد مقدس نیامده با اردوی نادری ارتباطی پیدا نکرده‌اند بلکه درآنگاه که موکب سلطنت به اتفاق اردوی نادری بعزم تسخیر اصفهان و جنگ با اشرف افغان از خراسان حرکت کرده‌ایل خزیمه‌نیزبموکب شاهی و اردوی نادری پیوسته اند)** در تاریخ جهانگشا از آن تاریخ به بعد ذکری از این خاندان دیده می‌شود.

سیاست صبر و انتظار

شکافتن مطلب بالا مارادر مشی‌سیاسی این خاندان بخوبی قرارمیدهد همه میدانیم کشورما در اواخر دوران صفویان به اشغال بیگانگان و ماجراجویان افغانی‌درآمددرخراسان نیز ملک محمودسیستانی‌فرمان‌میراند.

در چنین لحظه بحرانی شاه طهماسب شهر بشهر، دیار به دیار میگشت تا یار و یاوری پیداکندکه‌بجنگ‌اشغالگران‌برود.

جنگ شدید بین قدرتها بود، افغانها باتمرکز سیاسی در اصفهان از سوئی، ملک محمود سیستانی با سلطه فئودالیستی‌از اینسو و پادشاه‌سرگردان و آواره صفوی بدنبال پایگاه سیاسی از سوی‌دیگر، جنگ درونی بین‌شاه تهماسب و نادرقلی افشار و فتحعلی‌خان قاجار و ملک‌محمود سیستانی درگیر شده‌بود.

سیاست خاندان علم در اینموقع (سیاست صبر و انتظار) بود تا به بینند اتمسفر محیط چیست باد ازهرطرف‌آمدبدانسو خم شوند و کرنش کنند.

پسر امامقلی خان درگزی که عمری را از نوجوانی باسختی و مبارزه و دربدری گذرانده دارای نبوغ‌و استعداد ذاتی بود فتحعلی‌خان‌قاجار، ملک محمود سیستانی را عقب زد قاپ شاه تهماسب صفوی را دزدید. در اینموقع اسماعیل خان خزیمه بفراست دریافت ستاره اقبال نادری بلند است بنابراین خود را به نادرشاه رسانید در شمار رایزنان و یاران او قرار گرفت ابتدا حکمران (قاین و فراء) شد و درسال ۱۱۴۶ پس‌ازسرکوبی محمدخان بلوچ والی خوزستان وی را به فرمانروائی بهبهان و کوه کیلویه فرستاد.

بامشارکت امیر معصومخان برادرش و محرابخان عرب، شاهرخشاه افشار را دستگیر و زندانی نمود. میر سید محمد فوق را که جزو توطئه گران و یاران امیر علم بود بنام (شاه سلیمان) بر تخت شاهی نشاند شاهرخشاه را نابینا کرد، امیر ـ علم خان بعنوان وکیل الدوله همه کاره (شاه سلیمان) شد.

میدانیم از دیر زمان کار نابکاران و غداران ایجادجنگ قومی و زبانی و نژادی است تا بدینوسیله‌از راه‌نفاق‌افکنی چند صباحی برمردم حکم رانند. معاویه رهبر این طرز تفکرمیگوید (تفرقواتسیدوا) تفرقه بینداز و حکومت کن.

امیر علم خان پس‌از این پیروزی برای ساختن پایگاه دروغین‌میان مردم‌نقشه‌موذیانه متروک هزار سال پیش را برای اجرابدست گرفت‌جنگ واختلاف خانگی (اسلام و ایران) را در خراسان‌بوجودآوردوسپس عملا" قبایل منقرض و بی‌آبروی تازیان را درخراسان مامور آزار وبیداد و کشتار و غارت مردم خراسان کرد.

در برابر امیرعلم‌خان‌همه خراسانیان‌وافغانیان‌متحدشدند اکرادخراسان رهبری این مبارزه را بعهده‌گرفتند خاندان شادلو به تازیان و امیرعلم پیوست.

قوای امیرعلم خان زیر ماسک (اسلام) دگر بار بجان مردم خراسان افتادند روستاها را غارت‌و مردم ناسیونالیست‌و مسلمانان وطنخواه را بیرحمانه قتل عام می‌کردند اینچنین به قول یکی از مورخان (نواحی شمالشرقی‌ایران‌بتصرف امیرعلم خان درآمد، اوشخص اول بشمار میرفت) مورخ معروف دوره نادری‌دراین‌باره چنین‌مینویسد **(امیر علم خان ... به جبر و عنف به‌اکراد مسلط شده اکثر را دچار نهب و غارت کرد و چند نفرسرکردگان اکراد راچشم‌کنده همشیره دولیخان شادلو را به حباله نکاح خود درآورد.)**

اتحادمردم خراسان‌و افغانستان

بیدادگری این خاندان سبب شد همه مردم خراسان و افغانستان باهم‌یکی شدند احمد خان ابدالی به اکراد پیوست اینچنین بایک عصیان و انقلاب مردم بجنگ امیرعلم‌خان رفتند ماجرای این‌قیام را اززبان مورخ بشنوید **(امرای کرد و سرداران ایلات‌که‌همه‌از امیر عدیم‌النصیر آزرده خاطر و در کمین فرصت و چنین‌وقتی‌را ازخدا می‌خواستند بنا را بر نفاق گذاشته به ترک وفاق همداستان گردیدند و به کشیدن انتقام از امیر عالیمقام یکدل و یک جهت گشتند. چون ایذا و تعدی و نهب و قتل و غارت درباره عباد از سرکشان عالم کون وفساد منافی خواهش آفریدگار و محرک سلسله غضب خداوند جبار و باعث تخریب بنیاددولت پادشاهان‌و خوانین ذوی‌الاقتداراست بدسلوکی امیر عالیشان با سرداران و ایلات خراسان سلسله جنبان دریای غضب خالق انس و جان گشته تدبیر سرداران باتقدیر موافقت کرد. صبحگاهان که کوکبه زرین مهر خاوری در عرصه‌جهان آغاز جلوه گری کرد امیر بی‌خبر از تقدیر ماهچه لوای استقلال را بسمت جام و لنگر در حرکت آورده با لشکر نفاق اثر روانه گردید. دربین راه سرداران نفاق پیشه بی اندیشه هریک با جمعیت‌خود باوطان خودبرگشته امیر با قلیل جمعیتی مانده و چون روز خود را سیاه و بخت را واژگون‌دید ازاندیشه تضرراکراد خونخوار بی‌قرار گردیده خود را به‌قلعه تون‌که‌بسیارمستحکم و در تصرف داشت رسانیده بونه و آغرق و حرم را باامیر معصوم ـ خان برادر خود درآنجا گذاشته دوستی دولیخان کرد شادلو را سپر حفظ پنداشته با جمعیت قلیلی که همراه داشت بنزد دولیخان موصوف رفته بجمع ـ آوری قشون مشغول گردید. که بعد ازجمعیت بمقابلهٔ احمدشاه بپردازد. سرداران اکراد از حقیقت مطلع شده کس بنزد دولیخان فرستاده پیغام دادند که خونی ما را در نزد خود نگاه داشتن خلاف ضابطهٔ ایلیت و خارج قاعدهٔ غیرتست اگرایلیت منظور است بدون مکر و خدعه امیر رابنزد ما فرست‌والا آمادهٔ جنگ باش. دولیخان موصوف چون‌تاب‌مقاومت‌ایلات‌رانداشت و نگاهداشتن امیر را درحوصلهٔ خود ندید او رابسمت اسفراز که مردم آنجا باو موافقت داشتند فرستاد. جماعت اکراد پی‌باین معنی برده فی‌الفور همگی سوار شده قلیل راهی باقی بود که امیرداخل اسفرازشود که‌جماعت اکراد باو رسیده‌ازچهارطرف‌سد راه گردیده بجد و جهد بسیار او را گرفته مقید و محبوس و به مشهدمقدس بخدمت شاهرخشاه بردند. حضرت شاهی چون او را منشاء کوری‌خود میدانست‌اول او را کور کرده "و بعد" بجعفر ـ خان کرد که امیر موصوف که در ایام اختیار او را کور کرده بود سپرد که بهر عقوبتی خواسته باشداو را بکشد. جعفرخان‌مذکور بعوض خون چشم خود او را در زیر چوب بقصاص رسانید.)**

از ماجرای برکناری و دستگیری و کوری (شاهرخشاه افشار) نواده نادر آگاهی‌یافتید در باره کور کردن شاهرخشاه دیدید که از قول نواده افشار گفتند میر علم خان مسبب این فاجعه شده‌است لطفعلی خان ـ بیگدلی‌مورخ اواخردوران صفوی و نادری نیز این نظر را تایید کرده می‌نویسد **(میرعلم خان عرب خزیمه که بعد از چندی از قتل ابراهیم میرزا و سلطنت شاهرخ باجمعی ممهد شده نواب شاهرخ را از حلیه بینش عاری کرد)** و مهمتراز این نظرپذیرش این واقعیت ازطرف محمدحسین آیتی ستایشگرخاندان‌علم است هاشم‌خراسانی نیز درکتاب خود در این باره چنین می‌نویسد **(میرعلم خان ... هردو چشم شاهرخ میرزا را کور کرد)** بعد از این حادثه سران خاندان علم بمدت کوتاهی متواری شدند تا دگربار با دسیسه و توطئه جدید بسرکار باز گردند. میرمعصوم ـ خان خزیمه برادر میرعلم خان نیز از خراسان متواری شد.

اجازه‌بدهید دراین‌هنگام که‌گروهی ازضدانقلابیون پوست عوض می‌کنند آب توبه بسرشان ریخته می‌شود و شاید (سناتور خزیمه علم و سایر افراداین خاندان علم) نیز مشمول این بخشودگی شوند لازم است این تذکر را بدهم.

ترحم برپلنگ تیز دندان
ستم کاری بود برمستمندان

دراواخرقرن‌هیجدهم‌واوایل قرن‌نوزده‌سروکله‌استعماردر خاور زمین پیداشد آنهائیکه بفراست درمییافتند عقب‌ماندگی و کم ـ دانشی دورماندن از تمدن و تجدد ما را درقلمرو نفوذ باختر زمین قرار خواهد داد خود را بسوی این قطب میکشاندند بنابراین بایدبطورطبیعی‌انتظار داشت خاندان (قائم بالغیر) علم‌جانب اغیار را بگیردبیگانه رابخودی‌ترجیح دهدامیرمعصوم خان خزیمه که در دوره فترتی قرارگرفته بود کاری ازپیش نبرد همان روند دیگر این خاندان (سیاست صبر و انتظار)را پیش گرفت.

---

۱ ـ بهارستان ۴۸
۲ ـ جهانگشای نادری ذیل‌وقایع ۱۱۴۴ ق.
۳ ـ مجمل‌التواریخ ۶۵ ـ ۴۵
۴ ـ همان ماخذ

آگهی افزایش‌سرمایه‌شرکت‌تضامنی‌امیرابوالحسن‌قهرمانلو و شرکاء ثبت شده بشماره ۲۳۷۷۵

طبق صورتجلسه مجمع شرکاء مورخ ۱۳۵۷/۶/۱۵ شرکت‌نامبرده سرمایه شرکت از مبلغ شصت ویک‌میلیون‌ودویست وپنجاه هزارریال به یکصدوبیست و یک میلیون ودویست‌وپنجاه هزارریال افزایش یافت‌ومیزان سهم‌الشرکه هریک از شرکاء بشرح زیر میباشد الف ـ دوشیزه مرجان قهرمانلو مبلغ یکصد میلیون ریال‌ب ـ دریه‌ومیتراقهرمانلو هریک مبلغ ده میلیون ریال‌ج ـ آقای امیرابوالحسن قهرمانلو مبلغ یک میلیون و دویست‌وپنجاه هزارریال ضمنا آقای‌امیرابوالحسن قهرمانلو برای‌مدت نامحدود بعنوان مدیر عامل شرکت انتخاب شدند.

مدیرکل‌ثبت‌شرکتها‌ومالکیت‌صنعتی ـ یحیی مدنی
۷۰۵۲ م‌الف آ ـ ش ۱۷۷

آگهی‌حصروراثت

آقای غلامرضا ارواحی‌آذر بشناسنامه ۲۹۳ بشرح دادخواست کلاسه ۵۸ر۳۹۲ این شعبه توضیح داده شادروان علی ارواحی‌آذر بشناسنامه ۱۰۹۹۰ درتاریخ۱۲ر۳ر۵۸در گذشته‌ورثه‌وی عبارتند از درخواست کننده پسروامیرسیکرودی بشناسنامه ۱۱ همسردائمی.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد طرف سه‌ماه ازنشراولین آگهی‌بدادگاه تقدیم دارد والاگواهی صادر خواهد شدو هر وصیتنامه‌ای جز رسمی وسری که بعدازاین‌موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

م‌الف۵۶۹۵ رئیس شعبه۷۴ دادگاه‌شهرستان‌تهران سازگاری
آ ـ ش ـ ۱۳۸ ۲-۲

کمونیست ارشاد باید گردد

اسلام دین عقل و علم و منطق است

بقلم فرهنگ نخعی (ریمن سابق)

*** بحکم آیات قرآن کریم وسنت پیامبراکرم (ص) پیروان سایر ادیان و مکاتب باید با اخلاق و استدلال علمی و منطقی باسلام دعوت شوند .**

*** خاطره‌ئی از یک مقاله شدید اللحن علیه ستاد ارتش رزم آراء درمورد تصمیم باخراج دو هزار کارگر توده‌ئی راه آهن .**

دربین شعارهای گوناگونی که فضای انقلابی کشور ما رافرا گرفته وهمه روزه گفته وشنیده وخوانده میشود و گهگاه نیز اینروزها همین بگوش میرسد که :

" . . . اعدام باید گردد " ویا " . . . آزاد باید گردد " شاید این شعارهم ، اگر بعضی را بر نیانگیزد وماجرائی نیافریند خالی از لطف نباشد و توجه بآن مفید و موثر واقع شود و این شعار اینست :

کمونیست ارشاد باید گردد .

لازم بتوضیح نیست که مفهوم این شعار اینست که نویسنده با کمونیسم مخالف بوده و این مخالفت نیز ناشی از مقتضیات زمان که بسیاری جدیدالاسلام یا مسلمان نماشده‌اند نیست بلکه با شروع فعالیت سیاسی بعد از شهریور ۲۰ آغاز میگردد و در تمام این دوران که تا مرداد ماه ۱۳۳۲ ادامه داشت بعنوان یک نویسنده سیاسی آزادیخواه ملی و ضد کمونیست مشهور بودم و مقالاتم در جراید مهم آنزمان بویژه "شفق" و "جبهه" ارگان حزب ایران و " مظفر " (بمدیریت مرحوم حسین کی‌ـ استوران یا روفادار مرحوم دکتر مصدق) و "قیام ایران" بمدیریت جناب آقای حسن صدر برمبنای دفاع از آزادی و سیاست ملی و مبارزه با هر نوع وابستگی بسیاستهای استعماری شوروی ـ انگلیس ـ آمریکا منتشر میشد که برای نمونه بذکر چند مورد اشاره میشود :

۱ ـ حمله بسیاست استعماری امریکا در روزنامه "مظفر" درسال ۱۳۲۴ در حالیکه یکنوع خوش بینی زودباورانه نسبت بسیاست آزادیخواهانه امریکا در بین روشنفکران وجود داشت بمناسبت برگزاری جشن هفتادمین سال تولد عمرخان شکاک رئیس ایل شکاک در سفارت امریکا .

۲ ـ مقاله معروف و مهم "آذربایجان سر ایران است" درروزنامه اقدام هنگام قیام تجزیه طلبانه فرقه دمکرات آذربایجان که فرارسرانش بشوروی ماهیت غیرملی آنرا بخوبی روشن میکند .

۳ ـ انتشار مقالاتی علیه شرکت نفت ایران وانگلیس وبانک شاهنشاهی و مخالفت شدید با تمدید امتیاز آندو .

۴ ـ مخالفت شدید با ائتلاف حزب ایران با حزب توده باداشتن عضویت شورایعالی حزب ایران که مورد حملات شدید روزنامه‌های ارگان حزب توده واقع شدم .

۵ ـ اعتراض به سخنرانی های ایرج اسکندری در مراسم تحویل راه آهن شمال وسیله افسران شوروی بکارکنان ایرانی که در مراسم مذکور در حضور جناب آقای مهندس احمد مصدق مدیر کل وقت راه آهن ایشان جام خود را بسلامتی ژنرالیسیم استالین نوشیدند (اعتراضنامه بصورت گزارشی از مراسم مذکور درروزنامه جبهه چاپ شد) .

۶ ـ مخالفت باتشکیل جبهه روزنامه‌نگاران دمکرات یک متشکل از مطبوعات وابسته و متمایل به حزب توده که بریاست آقای حسن صدر تشکیل شد و در دوران حکومت ملی مرحوم دکتر مصدق نقش مهمی دربرپائی میتینگ‌ها بعهده داشت .

برای یادآوری وتذکار خاطر محترم خوانندگان عزیز وارباب مطبوعات ورهبران سیاسی ومذهبی همه عناصر انقلابی بهمین "مشت نمونه خروار" اکتفا مینمایم وباصل مطلب میپردازم .

اما پیش از آنکه وارد بحث شویم اجازه میخواهم خاطره انتشار مقاله ایرا که قطعا فعالان آنزمان بیاد دارند ودر صفحات گرامی نامه "قیام ایران" نقش بسته و جناب آقای حسن صدر که هنگام چاپ و نشر آنرا بسیار ستوده‌ند بیاددارند بازگونمایم .

گمان میکنم در اوائل سال ۱۳۲۷ بود و من در آن هنگام ریاست تبلیغات و انتشارات بنگاه راه آهن (که شغلی دست دوم وحاشیه‌نشینی بود) بعهده داشتم روزی از یک جلسه محرمانهٔ در دفتر مدیر کل اطلاع یافتم که رئیس وقت رکن دوم ستاد ارتش رزم آراء به بنگاه آمده و لیستی حاوی اسامی دو هزار نفر از کارگران توده‌ئی راه آهن را ارائه داده و تاکید نموده که بایستی از کار برکنار شوند .

فردای آنروز مقاله شدید الحنی تحت عنوان " ارتش و حکومت سرنیزه " با ذکر نام وشغل خود در جریده شریفه " قیام ایران " که همه روزه مقالاتم در آن منتشر میشد وحتی گهگاه نیز سر مقالاتش را مینگاشتم ، انتشار یافت وشدیدا باقدام ستاد ارتش اعتراض نمودم که خوشبختانه چون با حسن نیت و منطق و استدلال قوی توام بود موثر افتاد وتصمیم ستاد منتفی شد که البته چوبش را در بهمن ۱۳۲۷ و حادثه تیراندازی در دانشگاه خوردم و باتفاق آقایان حسن صدر ـ سید محمد باقر حجازی ـ محمود دژ کام ـ محمود والانژاد ـ سید علی بشارت ـ دانش نوبخت ـ جهانگیر بهروز بازداشت وزندانی و محاکمه و محکوم شدم که خود داستان مفصلی دارد .

درآن مقاله نوشته بودم نطفه کمونیسم همیشه در محیط فساد واختناق و فشار رشد میکند و کارگران و سایر طبقات محروم را با انگشت نهادن برروی احساسات و خواسته‌های مادی ونارضائی شغلی آنان بسوی خود جلب مینماید در حالیکه این طبقات از فلسفه مارکسیسم و لنینیسم و سوسیالیسم علمی و ماتریالیسم تاریخی اطلاعی ندارند . آنها نان و کار و شرائط مناسب کار و حداکثر رفاه ومحدودیت ساعات و این قبیل خواسته‌های فلسفی و مادی میخواهند و بنابراین برای جلوگیری از سوق اینان بسوی کمونیسم اقدام ستاد ارتش نتیجه معکوس خواهد داشت زیرا بیکار شدن دو هزار کارگر معادل است با پریشانی بیست هزار نفر از افراد خانواده و ناراحتی ونگرانی قریب صدهزار نفر از وابستگان آشنایانشان وشکی نیست که حزب توده و کمونیسم از این نارضائی عظیم بهره‌برداری خواهد کرد .

آنروز این مقاله مستدل و آتشین دردل سنگ ستاد ارتش که میرفت پایه‌های یک حکومت دیکتاتوری را با یک "ژنرالیسم" بسبک اسپانیای فرانکو بنیاد نهد ، اثر کرد و اخراج کارگران توده‌ئی راه آهن متوقف ماند و من از این خدمت که صرفا برای جلوگیری از راه پیشرفت هر چه بیشتر کمونیسم انجام دادم واقعا بخود میبالم و . . .

. . . . امروز هم معتقدم ، که در سایه حکومت جمهوری اسلامی و در تحت لوای رستگاری بخش اسلام که طبعا نمیتواند کمونیسم وهیچ مرام و مسلک و دین دیگری را بپذیرد ، تنها راه جلوگیری از پیشرفت کمونیسم و انسداد طرق گوناگون نفوذ خطر آن پیروی از این شعار است که :

کمونیست ارشاد باید گردد

از زمانی که دکتر ارانی و ۵۲ نفر یارانش مکتب کمونیسم را در ایران گشودند و حتی از زمان آغاز انقلاب کبیر شوروی و سرایت آن بایران ، بذر این مرام در کشور ما نیز پراکنده و کم وبیش بارور شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ که مصالح متفقین ایجاب کرد ایران از یکنوع دمکراسی پوشالی برخوردار شود تا در نتیجه شرائط خاص اجتماعی رفته رفته کشور با سوءاستفاده از آزادی بسوی هرج ومرج وآنارشیسم سوق یافته قهرا مستعد پذیرش دیکتاتوری در جهت حفظ منافع ومطامع استعمارگران شود ، حزب توده ایران با سرعت وشدت هرچه تمامتر بگسترش نفوذ خود پرداخت و مخصوصا در مناطق شمالی کشور که در اشغال ارتش شوروی بود قدرت مطلق بهم رسانده و امروز کسی نیست که از نقش آن در جریان ملی شدن نفت وتضعیف حکومت ملی دکتر مصدق با برپائی میتینگ‌های مختلف تحت عناوین گوناگون (بعلت غیرقانونی بودن حزب) آگاه نباشد و امروز هم که حزب مذکور و یا عوامل کمونیسم با پشت سرگذاردن دوران اختناق ۲۵ ساله بار دیگر فعالیت خود را تجدید نموده بحکم آثار موجود و مشهود قدرتی چشمگیر در اختیار دارند و نمیتوان این نیرو و نفوذ آنرا نادیده گرفت .

اگر دیروز دولت با قوانین و دادگاههای نظامی میتوانست سدی در راه فعالیت این نیروی فعال بوجود آورد امروز دیگر آنروش بحکم انقلاب ودستاوردها وموالید آن در جهت آزادی اظهار وعقاید ، محکوم و مطرود است و بسیاری از اقدامات و اعمالی که بعنوان مبارزه با کمونیسم بچشم میخورد وشنیده و خوانده میشود رنگ وبوی اسلامی ندارد .

دراینکه اسلام با کمونیسم مخالف است حرفی نیست . اصولا اسلام بعنوان یک نظام و مکتب الهی و آسمانی با هر عقیده و مسلک سیاسی وفلسفی که ازجانب بشروضع شده باشد مخالف است . اسلام میخواهد افراد بشر را در سایه مکتب واحد و عقاید توحیدی خود بسوی خدای یکتا وبیهمتا هدایت کند و در پرتو این اعتقاد روح خداشناسی و خداپرستی و خداترسی را در افراد دمیده مانع از رسوخ و نفوذ هر عقیده ومکتب مخالفی بموزه اسلام شود تا مؤمنین ومسلمین از گزند ضلالت وگمراهی درامان باشند و بنابراین بدون هیچ شک وتردید در حکومت واقعی اسلام راهی برای نشر و رشد و نمو کمونیسم در جامعه اسلامی نمیتواند وجود داشته باشد .

ولی ؟

نباید فراموش کنیم که ما امروز ، درپناه انقلاب اسلامی وباسرنگونی رژیم ضد اسلامی و ضد آزادی پهلوی میخواهیم جامعه نوینی بر مبانی متین و راستین اسلام بنیاد نهیم ودر نخستین گام نیز قانون اساسی کشور خود را بر مبنای حقوق و قواعد اسلامی تدوین نمائیم وطبیعی است که درچنین شرایطی باید محیطی بوجود آوریم که افراد بمیل و رضا و با نیروی تعقل و تفکر و بادیده باز بسوی اسلام گرایند و با رشد واندیشه کافی باسلام ایمان آورند .

درمقابله با حقایق هیچگاه نمیتوان واقعیات را از نظر دور داشت و واقعیت غیر قابل انکار اجتماع کنونی ما که میرود بخواست خداوند بسوی یک جامعه اسلامی واقعی و برای از هرگونه فساد و انحراف فکری واخلاقی وعقیدتی سوق یابد ، قبول یک نیروی فعال وزنده‌ی چپ‌گرا و کمونیستی است که با سوابق مبارزات سیاسی آشکار و پنهان هنوز از بین نرفته و با پشت سرگذاردن زندانها وشکنجه‌ها وفدائیان بسیار بر سرپا ایستاده و با شرکت موثر در انقلاب نیز خواهان حق اظهار وجود وعقیده است .

دراینمورد دونکته شایان توجه است :

۱ ـ برخورد دولت با خطر کمونیسم .

۲ ـ برخورد مردم واحزاب وجمعیتهای اسلامی و ملی .

دربرخورد دولت با خطر کمونیسم ، طرق قانونی وجود دارد که بخوبی میتواند از تحریکات و اقدامات ضد انقلابی عوامل کمونیست جلوگیری نماید وچنانچه واقعا خطری از این رهگذر وبالفعل وجود داشت باشد باید دولت آنرا در نطفه خفه کند کما اینکه دریک انقلاب کمونیستی نیز هر گونه خطری از ناحیه مخالفان کمونیسم بشدت دفع و رفع شده و میشود از نظر مردم و بخصوص احزاب وجمعیتهای اسلامی چون نام مقدس اسلام در جبهه جهانی اسلام درمیان است بنظر نگارنده برخورد با کمونیستها باید باهمان روشی باشد که قرآن کریم منشور آسمانی اسلام ارائه داده است .

از لحاظ منطق قرآن ، هیچ "اکراهی در دین نیست" ونمیتوان و نباید کسی و جمعیتی را بزور بسوی اسلام دعوت کرد ویا دین را باو تحمیل نمود زیرا اساس پذیرش دین باید برمبنای تحقیق واعتقاد و ایمان باشد و این نیز با اکراه و اجبار سازگار نیست .

قرآن میفرماید : "بشارت بده بر کسانی که هرسخنی را میشنوند ولی نیکوترین آنرا پیروی میکنند" واین امر ملازمه با تفکر و تعقل دارد تا بتوان در بین سخنان گوناگون حق را از باطل شناخت و از سخن حق پیروی کرد .

اسلام بحکم آیه کریمه" مردم را با دانش و اندرز نیکو براه خدا دعوت کن و به نیکوترین روش با ایشان مجادله نما" بما امر میدهد که در دعوت بسوی خدا و تبلیغ دین بسلاح علم ومنطق مجهز شویم وباحسن بیان واخلاق نیکو دیگران را باسلام دعوت کنیم ودست از خشونت برداریم .

آری اسلام دین عقل وعلم و منطق و عدل است .

قرآن کتاب نور و هدایت ورستگاری و راهنمای تقوی ومیزان عدل است .

پیشوای عالیقدر اسلام بحکم حدیث گرانقدر" بعثت لاتمم مکارم الاخلاق "برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث گردید تا بشریت را بکمالات اخلاقی و فضائل معنوی بیاراید و از زشتی وپلیدی برهاند .

مسلمان باید خوشرو ، مودب ، متین ، فروتن ، بردبار ، سلیم النفس ، با گذشت . . . باشد و بحکم فرمان پیامبر اکرم (ص) که میفرماید : " المسلم من سلم المسلمون من یده ولسانه" مردم از دست و زبانش در امان باشند پیشوای بزرگوار اسلام و مسلمین صدر اسلام که در مکتب آن معلم بزرگ بشریت درس مکارم اخلاق آموخته بودند با نیروی اخلاق و با برهان علمی و با منطق قوی توانستند محیط ظلمانی عربستان جاهلیت را به گلستان مکارم اخلاق و به تابشگاه علم وعدل بدل سازند .

من با قبول اینکه همه را برای همیشه نمیتوان بزیر لوای حق و درسایه درخت برومند اسلام گرد آورد و براه راست و رستگاری هدایت نمود وبا اعتقاد باینکه اکثر گروندگان بمکتب کمونیسم ، آنهم در شرائط کنونی سقوط حکومت طاغوتی در سایه پیروزی انقلاب اسلامی ، نه بخاطر دفاع از آزادی و استقلال کشور وحمایت از زحمتکشان وکارگران وخلقهای ستمدیده بلکه بلحاظ رهابودن از قیود مذهبی وناسازگار دانستن اجرای احکام اسلام با مقتضیات ایندوران از گرایش باسلام سرباز نمیزنند ، با اینهمه یکبار دیگر ضمن مخالفت صریح با هرنوع فشار واعمال خشونت نسبت به مخالفین اسلام و عناصر چپ گرا و پیروان مکتب کمونیسم و اصولا هرفرقه و مسلک و دین و مذهب براین شعار تکیه میکند که :

کمونیست ارشاد باید گردد

وآمادگی خود را برای هر گونه مباحثه و مناظره قلمی یا زبانی با پیروان مرام کمونیسم اعلام داشته و در فرصت دیگر نیز باین بحث ادامه خواهد داد .

پرخاش : درمساله مداخله دولت از طریق وضع قانون برای مبارزه منطقا " موافقت نداریم .

آگهی حصروراثت

آقای مهدی دوخای دواتگران بشناسنامه ۴۵۷ بشرح دادخواست کلاسه ۲۱۷٫۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان جواد دوخای دواتگران بشناسنامه ۷۵۱۰ درتاریخ ۹٫۲٫۵۸ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست کننده پسر ومعصومه دوخای دواتگران بشناسنامه ۱۹۰۳ و طوبی دوخای دواتگران بشناسنامه ۱۵۴۱ و صدیقه دوخای دواتگران بشناسنامه ۲۷۵۰ و بتول آرین‌نژاد بشناسنامه ۱۷۳۴ دختران و فاطمه آذر زرتشت بشناسنامه ۱۹۴۳۷ همسر دائمی.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری

۵۶۹۲ م ـ الف ۲ـ۳ آ ـ ش ـ ۱۳۱

آگهی حصروراثت

آقای نصرالله جوانشیر بشناسنامه ۱۴۷ بشرح دادخواست کلاسه ۱۴۹۲٫۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان حسن جوانشیر بشناسنامه ۵۶۵۱ درتاریخ ۲۳٫۱٫۵۸ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست کننده و اسدالله جوانشیر بشناسنامه ۹۲ و عبدالله جوانشیر بشناسنامه ۲۵۶۵۴ پسران و صدیقه جوانشیر بشناسنامه ۱۹۶ و بلقیس جوانشیر بشناسنامه ۴۱۱ و ملیحه جوانشیر بشناسنامه ۴۳۷ و زهرا جوانشیر بشناسنامه ۱۵۶۷ دختران وفضه بهار بشناسنامه ۸۹۸۷ همسر دائمی.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری

۵۶۹۱ م ـ الف ۲ـ۳ آ ـ ش ـ ۱۳۰

آگهی تاسیس شرکت بازرگانی آلمهدی بامسئولیت محدود

شرکت بازرگانی آلمهدی با مسئولیت محدود در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۷ تحت شماره ۳۳۷۳۴ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود .

۱ ـ موضوع شرکت : انجام کلیه امور بازرگانی مجاز ـ واردات و صادرات کالاهای تجارتی ـ اخذ نمایندگی از شرکتها وکارخانجات داخلی و خارجی و اقدام به کلیه اموریکه با موضوع شرکت ارتباط داشته باشد .

۲ ـ مرکز اصلی شرکت : تهران خیابان عباس آباد خیابان پاکستان جنب کوچه شانزدهم طبقه دوم

۳ ـ سرمایه شرکت : مبلغ یکمیلیون وپانصدهزار ریال

۴ ـ مدیران و دارندگان حق امضاء : آقای سید ابوالقاسم واسعی بسمت مدیر عامل شرکت برای مدت نامحدود انتخاب گردید حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار ـ چکها ـ سفته‌ها ـ بروات ـ اسناد رسمی و تعهدآور وعادی با مدیرعامل به تنهائی وبا مهر شرکت معتبر میباشد .

مدیرکل ثبت شرکتها ومالکیت صنعتی ـ یحیی مدنی

۷۰۵۴ م الف آ ـ ش ۱۷۹

اصفهان شهر قهرمان

عدم روحیه انضباط در ارتش در سازمانهای دیگر هم اثر میگذارد

نبودن انضباط و عدم اطاعت از مافوق در آرتش در دیگر سازمانهای انتظامی هم اثر خواهد گذاشت در هفته‌ای که‌گذشت دیداری‌داشتیم باجناب‌سرهنگ‌هوشنگ‌وحید ریاست‌شهربانیهای استان اصفهان تا گفتگوئی داشته باشیم در مورد موفقیتها ـ برنامه‌ها ـ پیشرفتها و دیگر مسائل روز و آنچه در زیر آمده‌است حاصل گفتگوی ماست با ایشان :

س ـ یکی از سازمانهائی که در زمان پیروزی انقلاب ازهم پاشیده‌شد شهربانیها و کلانتریها بود . شما دراین مدت که‌پست ریاست‌شهربانیهای‌استان‌اصفهان‌رابعهده‌گرفته‌اید چه‌کوششهائی برای بازسازی این سازمان انجام داده‌اید .

ج ـ در زمانیکه از مرکز به من دستور دادند که مسئولیت شهربانیهای‌استان‌اصفهان‌رابعهده بگیرم شهربانیها وکلانتریها بوسیله پاسداران انقلاب اداره می‌شد پرسنل بکلی متلاشی‌شده بود .این درست بود که براثر اصالت‌مردم اصفهان به کلانتریها حمله‌نشده‌بودو اسلحه‌ها ازبین نرفته بود ولی وضع پرسنل‌بکلی آشفته بود راهپیمائی‌های بعداز پیروزی انقلاب توسط مامورین شهربانی . ناراحتی‌های حاصل از فرار زندانیان کم‌کاری پرسنل عدم‌انضباط .عدم‌روحیه همه کمک به آشفتگی بیشتر این‌سازمان می‌کرد .اصولا "نبودن انضباط و عدم اطاعت از مافوق در ارتش دردیگر سازمانهای انتظامی هم اثر خواهد گذاشت .

ولی‌خوشبختانه بازحمات شبانه‌روزی و یاری مردم‌اصفهان محبت پاسداران انقلاب که هنوز هم ادامه دارد و منکرنمی‌شود شد .آموزشهائی که‌به مامورین در جهت انقلاب توسط روحانیون مسئول و افراد متعهد در روزهای بخصوصی در هفته دادیم‌و در بعضی از مواقع بوسیله تنبیه موفق شده‌ایم که سر و سامانی باین سازمان بدهیم .

باینصورت که‌در حال حاضر مشاهده میکنید .

س ـ درحال حاضر چند درصد از کادرپرسنلی‌شما مشغول کارهستند ؟

ج ـ درحدود $\frac{1}{3}$ پرسنل فراری یا سر خدمت نیستند یا بازداشتند و با در نظرگرفتن این موضوع که قبلا" خدمت در شهربانی‌دوشیفت‌بودیعنی ۲۴ ساعت‌خدمت ۲۴ ساعت‌استراحت ولی درحال حاضر سه شیفت یعنی ۲۴ ساعت خدمت و ۴۸ساعت استراحت عملا" نیروی مابه یک‌سوم تقلیل پیداکرده‌است .

س ـ پس‌از عفو عمومی که از طرف امام صادر شد . چه تحولی درروحیه‌پرسنل شهربانی‌بوجود آمده است و آیامشمولین این عفو به سر خدمت حاضرشده‌اند .

ج ـ فرمان عفو در روحیه پرسنل بسیار موثر بود . البته‌و متأسفانه هنوز ازپرسنل شهربانی کسی شامل این عفو قرارنگرفته (دو روزقبل ۱۹نفرمرخص شدندکه‌هیچکدام ازمامورین‌شهربانی نبودند)ولی‌با تماسی که با مسئولین دادگاههای انقلاب‌گرفتیم اعلام کردند مشغول بررسی پرونده‌های آنها هستند .

س ـ جناب سرهنگ ارتباط شما با کمیته‌ها در حال حاضر به چه صورتیست :

ج ـ ارتباط ماباکمیته‌ها بسیار خوب است یعنی مابگونه‌ای عمل کردیم که اختلافی بوجود نیاید و اگر هم اختلافاتی‌جزئی بروز کند دربین خودمان حل می‌کنیم .

س ـ یکی‌ازمسائلی که‌در حال حاضر در سطح شهراصفهان باعث‌ناراحتی‌های زیادی شده مسئله ترافیک است دراین‌مورد مامورین راهنمائی‌چگونه عمل می‌کنندو اصولا" عملکرد‌راهنمائی و رانندگی به چه صورتیست .

ج ـ ازبعداز عیدنوروزتاکنون‌مامورین مامشغول کار شده‌اند وقبل‌ازاینکه‌تهران اعلام‌کند که جریمه خواهد کرد مادراصفهان شروع کرده‌بودیم ولی همانگونه که گفتم عدم روحیه پرسنل و ناراحتیهائی که‌بعضی ازمردم‌برای آنها بوجود می‌آوردندباعث شده بود که پیشرفتی چشمگیر دراین زمینه بعمل نیایدولی‌کم‌کم باآموزشهای‌پیاپی چه‌ازطریق‌وعظ‌وچه از طریق رسانه‌های گروهی موفق به‌ازدیادروحیه‌درپرسنل‌راهنمائی شدیم ولی مسئله اصلی در ترافیک اصفهان مامورین راهنمائی نیستند . این شهرداری است که باید با بوجود آوردن محلهائی برای اتومبیلها در خیابانهای‌پرازدحام مانندچهارباغ که قبلا" پیش بینی‌شده‌بود و انتقال شرکتهای مسافربری به ترمینالهای ساخته شده ، ترمیم خطوط‌اتوبوسرانی و زیاد کردن تاکسی در این موارد کمک کند . وامادرمورد عملکردکلی‌راهنمائی و رانندگی ، من دستورداده‌ام که اکیپ های گشت آزمایش در هر ماه‌دو مرتبه به شهربانیهای تابعه‌رفته و متقاضیان رانندگی را در محل آزمایش بگیرندحدود ۱۲۰۰۰۰/ نفر اسم نویسی ذخیره در سطح اصفهان داشتیم از قبل‌که درحال حاضربطور مداوم آزمایش می‌گیریم و کارها رویهم رفته بروال اصلی برگشته است .

س ـ در چند هفته قبل ما در پرخاش به مسئولان شهری در موردفروشندگان هروئین وازدیاد مصرف هروئین در اصفهان هشداردادیم شهربانی اصفهان تاکنون چه فعالیتهایی درجهت ریشه کن کردن این آفت انجام داده است .

ج ـ مادر حال حاضر یک دایرهٔ مبارزه باموادمخدر در کلانتری ۱ اصفهان‌دایرکرده‌ایم که‌من شخصا" هر هفته‌فعالیتهای آن‌هارا ازطریق‌گزارشهاکنترل‌می‌کنم‌ولی آزادی‌زندانیان‌هروئین در حال حاضر و پرسنل پاشیده زمان انقلاب و عوامل انحراف که‌آزاد بودند باعث گسترش این مسئله گردیده است . درهیچ جای دنیا تاکنون سابقه نداشته است که ۱۳۰ کیلوگرم هروئین در یک مرتبه کشف شود که درایران کشف شد ما حداکثر سعی خودمان را دراین مورد می‌کنیم ولی‌درخاتمه می‌خواستم ازمردم شریف اصفهان کمک بگیرم و بگویم به همانگونه که تاکنون با ما درشهربانی‌همکاری‌داشته‌اندبعداز این هم بیشتر همکاری داشته باشند .

گفتگو از : اکبرداوری

دکترعلی‌اقبالی ـ استاد دانشگاه ومؤسس‌مدرسه‌عالی‌کشاورزی‌همدان

نجات کشاورزی استقلال واقعی مملکت است

درصورت‌های‌منتشره برای‌شناسائی خبرگان و انتخاب‌آنها برای‌تشکیل مجلس و تصویب قانون اساسی‌ملاحظه شد که ازطبقه کشاورز کسی را معرفی نکرده‌اند تا بنام‌طبقه کشاورز سخن‌بگوید و مدافع‌اصولی باشدکه از حقوق و منافع طبقه کشاورزوروستائیان بنفع مملکت‌دفاع نماید . بدین ترتیب می‌توان گفت که در واقع کشاورزان و کشاورزی مملکت بحساب نیامده و ناچیز شمرده شده است .بیش از شصت درصد مردم سرزمین ما را کشاورزان تشکیل می‌دهند . سیاست غلط بیش از ربع قرن اخیر در امر کشاورزی سبب‌شد که روستائیان زندگی سرزمین اجدادی خود را رهاکرده و برای کارگری درکارخانجات مونتاژی یا عملگی و ماشین‌شوئی و سیگارفروشی و یادوره‌گردی بشهرها بیایند و **وقت و قوای خودرا که درحقیقت نیروی واقعی ملت ایران میباشد بمصرف برسانند و خود نیز مصرف کننده بشمار رفته و درواقع حکم سربار را پیدا کنند .** این‌وضع ناهنجار بهانه بسیارخوبی هم برای دوره‌گردها شده تا درشهرها جاخوش‌کنند و اخیرا" هم با حصول آزادی ، خودسرانه پیاده‌روها و محل عبور و راه مردمرا با پهن کردن کالاهای گوناگون خود اشغال نمایند و به لوبیا و ساندویچ و آش و پرده کرکره و کفش و طالبی و هندوانه و غیره وغیره فروشی پرداخته‌اند . راه در اسلام از واجب‌ترین امور است و سد معبر بهرصورتی باشد حرام است و مرتکب باید بعذاب خدا گرفتار شود .راه‌بندان مانع سرعت‌و جریان کار است . در شهرها مزاحم کار و کسب‌دکان دارانی شده‌اندکه سالها قبل با سرقفلی‌هنگفتی مکانی بدست آورده‌اند .این چنین بی‌بندوباری خارج از حددر اکثر خیابانهای بزرگ تهران و شهرهای بزرگ و در راههای بین شهرها عرصه را بر همه تنگ کرده‌اند . این نیروی عظیم اکثرا" ازروستائیان و کشاورزان‌مملکت‌میباشندکه پس از اصلاحات‌ارضی، زمین و خانه و احتمالا" سهام ملکی خود را فروخته و ترک دیار کرده و برای کمک به بساز و بفروش برای عملگی بشهرها روی آورده‌اند و در ضمن بازرنگی خاص خود توانسته‌اند با ساختن آلونکها و تصرف اراضی غیر ، اموال و انصار و بستگان خود را هم برای هم بستگی و تقویت موقعیت دعوت کنند . در چندماه اخیر این‌سوء استفاده کنندگان خود را جزء مستضعفین و یابیکار شدگان جازده توانسته‌اند نه تنها وام و یا خرج بیکاری بگیرند بلکه پاره‌ای‌هم‌توانسته‌اند خانه‌و مسکن مفت به‌چنگ‌آورندو اکنون مشگل‌بزرگی‌راپدیدارساخته‌اند .برابرآنچه‌که‌درسرتاسرکشوربررسی شده‌چنین‌بدست‌آمده‌که‌بیش از ۲۰ هزار پارچه روستا یا خالی از سکنه‌شده‌اندویاگروهی و مشتی پیرمرد و پیرزن و کودک خردسال غیرمولد و مصرف کننده درآن‌ها بسرمی‌برند . نگارنده شاهد و ناظر ده‌ها از ینگونه روستاها در منطقه همدان‌بوده‌ام .

درچنین شرایطی ، اسد دیگری هم برمشگل های کشاورزی افزوده شده‌است‌که‌همه تصمیمات و زحمات را بی اعتبار می‌کند، وآن وجود قوانین مزاحم ودست و پاگیر است که در گذشته‌برای حفظ منافع ومصالح‌گروهی‌خاص وضع شده‌اند .بدینجهت‌مالکیت‌ها متزلزل‌بودو درمعرض خطرقرارداشته‌اند و خواهی نخواهی‌موجب بی‌علاقه‌گی و ناخرسندی و مهاجرت روستائیان گردیده‌اند .روی این اصل می‌بینم مردم طوری‌پرورش یافته و عادت آنها شده‌است که‌بناچارمنافع آنی و زودگذر خودرا در نظرمیگیرندونیروی تفکر و دوراندیشی از مردم گرفته شده است . زندگی روزمره وخوردن و خفتن و استفاده‌جوئی بسبک و روش گذشته دوام دارد .

دراین چنین محیطی بایدراهی پیدا کرد که روحیه‌کشاورز وروستائی مایوس عوض شود . باید ایمان بکشاورزی بروستاها بر گردد .تا آنجا که‌بررسی نشان داده درقانون اساسی نسبت‌باین وضع‌وخیم‌توجه‌عمیق مبذول نگردیده و آنچه که لازمه تجدید حیات کشاورزی است بطور قاطع نشان داده‌نشده است . گروه کشاورزان که‌در شمار بزرگترین رنجبران طبقات مملکت میباشند تاکنون ازهر گونه شرایط مساعد محروم بوده‌اند . لذا بایدمتکی باعتماد و اطمینان دولت و جامعه و قانون باشند . باید قانونی باشد که‌آن‌ها را با شوق و ذوق بکار وادارد و از هر جهت حافظ وپشتیبان این طبقه وگروه عظیم‌باشد .از گذشته‌های بسیار دور، همیشه کشاورزی و کشاورزان مایه دوام و بقاءمملکت ایران بوده‌اند و در آینده هم در فلات ایران نیز چنین خواهد بود .

زیرا آب مایه دوام‌زندگی است‌و واحدهای‌آبهم‌محدود وپراکنده بوده‌و پیدایش روستاهای متفرق بر مبنای وجودآب‌میباشد .شهر نشینان عزیز که از همه مواهب شهری برخوردارند و در سایه اطاقهاو کارخانجات و دکاکین روزگار می‌گذرانند و براحتی پول حساب شده از پیش بدست می‌آورند هرگز خریدار آفتاب‌سوزان صحرا وتشنگی و گرسنگی نمی‌باشندو سرمایه خود رابامید درآمد واهی‌درمعرض‌آفات‌و خشک‌سالی و غیره‌پخش‌نمی‌کنند .کشاورزان را که شجاعانه از هرگونه جانبازی دریغ ندارند باید نجات‌داد تا مملکت نجات یابد . در دوشماره پیش گفتیم تا زمانیکه‌نفت و گازموجوداست‌امکان‌تعادل زندگی‌میسر بوده‌وبرنامه‌فعلی‌می‌تواند دوام یابدولکن تا کی؟ ۱۰ سال یا ۲۰ سال و بعد هم با ازدیاد روز افزون جمعیت مشگل بزرگتر و خطرناکتر خواهدبود . پس از چهارسال تلاش برای‌تاسیس اتاق کشاورزی و مخالفت‌های‌دوران خفقان بالاخره‌وزیرکشاورزی‌جمهوری اسلامی که‌مردی‌کشاورزاست اهمیت اتاق مورد درخواست کشاورزان را پذیرفتند و تاسیس‌آن رابصورت شورای کشاورزی در مرکز تمام شهرستان‌ها به دولت پیشنهادوبتصویب‌شورای انقلاب‌رسانیدتا هر شهرستان‌مستقیما" بمسائل کشاورزی و طرحهای عمرانی مورد نیاز خود بپردازد . تشکیل‌دهندگان شورای‌کشاورزی وکمیته‌های آن را عناصرورزیده ومطلع درکشاورزی تشکیل می‌دهند که می‌توانند از طرق‌مختلف بکشاورزی خدمت و یاری نمایند . مسئله مالکیت در کشاورزی و تشویق روستائیان بامرکشت و برداشت‌و یا دامپروری و مرغداری و باغداری در قانون اساسی روشن نیست . دیده می‌شود که هر غیرکشاورز ویا روستاندیده و غیر وارد بهزاران مشکل و مسائل کشاورزی‌اظهار عقیده‌می‌کندواشخاص رسمی ومسئول و غیرمسئول سخنان متناقض میرانند . از یک طرف ، اسلام مالکیت را محترم شمرده‌ودرقرآن‌فرموده‌شده :*الناس‌مسلطون‌علی اموالهم‌و انفسهم* یعنی کسی حق تجاوز ندارد و از سوی دیگر هم می‌فرمایند *لیس الانسان الا ما سعی* ، یعنی برای انسان غیر کار ، کوششی نیست و چند آیه دیگر که حق مالکیت و کار را هم محترم شمرده‌اند. **اسلام‌کشاورزی‌مهمترین عمل واقدام خیر بوده‌و بزرگترین مباحث اقتصادی را بمیان آورده است که نظیرش در هیچ آئین و مسلک یافت‌نمی‌شود** معلوم نیست‌درقانون اساسی‌درباره‌موضوع‌کشاورزی‌که استقلال ماپیوسته بدان است قاطعانه گفتگو نشده و بهرجاصنعت را مقدم شمره‌اند اما کدام صنعت؟ معلم‌نیست .جای‌داردکه‌اصلی مخصوص کشاورزی تدوین شودو خارج از سایر اصول باشد .**گروهی از کمیته طرح و بررسی شورای کشاورزی دراین باره‌مشغول‌بررسی می‌باشند .** بهرحال نگارنده بشرح زیر پیشنهاد مینماید .

" اصل ۸ ـ استقلال کامل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جمعیت‌روزافزون کشورایران منوط بتامین مواد غذائی وتولیدات وصنایع‌وابسته‌به کشاورزی‌تابحدخودکفائی وجلوگیری ازوابستگی به بیگانگان است که با رعایت کامل اقتصاد اسلامی و با تامین‌و تضمین مالکیت اراضی زراعی و قابل کشت و بهره‌گیری‌از انواع آبهامیسرمیباشدودربرنامه‌های‌عمرانی‌کشور به طرحهای کشاورزی اولویت‌داده شود و برای پیشبرد آن و افزایش محصولات ازتمام علوم‌وفنون‌پیشرفته‌جهان وبکارگیری‌استعدادها و امکانات‌مملکتی در توسعه کشاورزی و روشهای سنتی و بومی‌استفاده‌شود" .

اصل ۸ بشرح‌بالا روشن وجدا ازصنایع غیرکشاورزی‌ومونتاژی و درتیول وزارت کار نخواهد بود و اگر بنظر پاره‌ای‌طویل‌میباشد ممکن‌است تجزیه و به دو یا سه اصل تقسیم شود . بنظر ما نیازی نیست‌عمده ،**تشویق کشاورزی‌وروستائیان‌به‌کاروزندگی‌خوددرروستا میباشد ،فکراینکه‌روستانشینان‌به‌۲۵%جمعیت‌کشوربایدتقلیل‌یابدبا توجه بوضع اقلیمی کشور ما میسر نیست و پنداری است نپخته .** باید از گسترش بی‌رویه شهرها جلوگیری شود . بیشتر بهم زدن وضع‌فعلی بنفع صنایع‌موهوم بیشتر بزیان توسعه‌کشاورزی خواهد بود و صنعت نخواهیم داشت ، و خطاهای گذشته نباید تکرار شودباید استخوان بندی واحد روستاهارا با نوع طرق‌کمک های مادی و معنوی محکم و استوار کرد .

عشق انقلابی هلاکوخان

چند روز قبل آقائی به‌دفترسرپرستی‌پرخاش در اصفهان تلفن‌زدند و گفتند . این آقای هلاکو کاشفی که در شمارهٔ هفتم پرخاش ادعای انقلاب بودنی‌فرموده‌اند همان آقائی نیستند که چند سال قبل بدنبال سفر یک هنرپیشه مه روی خارجی بایران سگ چندمیلیون تومانی نثار پایشان کردند و ازدواجشان با آن هنرپیشه پریروی طلائی مو سروصدای زیادی در مجلات آن‌زمان ایجاد کرد .

عرض کردم بفرض که حضرتشان باشند .مقصود؟

فرمودندپس چگونه‌ادعای‌اعمال انقلابی بودن در گذشته و حال را دارند؟ چون جوابی نداشتم گفتم که بهرحال عمل ایشان‌درآن‌زمان‌هم‌نوعی‌عمل‌انقلابی‌بودچه‌پای‌سگهارابه‌مجالس بازکردند و بدیگر سرمایه‌داران بزرگ هم آموختند که میشود به کمک سگها دل معشوق را بدست آورد .

شهریه سیاسی درانجمن ایران و امریکا

شهریه‌انجمن ایران وآمریکا دراصفهان تابع سیاست‌روزشده‌است

در زمان قبل از انقلاب که حضرات اروپائی و خصوصا آمریکائی درایران بروبیا و کیاوبیائی داشتند و هر توریستی که بایران سفر می‌کرد مدتی‌راهم بعنوان معلم و تکنسین و مهندس و رئیس تشریفاتی‌و.و.و. مشغول کار می‌شد و کسی هم نبود که مدرک‌تحصیلی‌وسابقه‌کار و برگ اجازه کار از آنها بخواهدانجمن ایران و آمریکا در اصفهان هم شامل این مواهب شده بود و هر روز بدون هیچ دلیل و یاجوابگوئی شهریه‌اشرا زیاد می‌کرد تا اینکه‌انقلاب‌ازراه رسیدوبرای‌مدت‌کوتاهی باعث کسادی‌بازارشان شدالبته بعدازانقلاب هم بی‌سروصدا مقداری از شهریه آن‌کاسته شددر زمان‌دخالت‌سنای آمریکادر رای دادگاههای‌انقلاب ایران که تظاهرات ضد آمریکائی‌درایران باوج خود رسید مقداردیگری ازشهریه‌هاکاسته‌شدتا اینکه باردیگراین اواخر حرف از زیادشدن شهریه‌است که با اعتراض‌و تظاهرات محصلین انجمن مواجه می‌گردد . ماکه‌دلیلی برای زیاد شدن شهریه‌ها ندیدیم مگراینکه بگوئیم شهریه‌انجمن ایران‌وآمریکادراصفهان‌تابع سیاست روزشده است .

مردم عمل میخواهند نه حرف!

دیدار و گفتگو با آقای دکتر طالقانی استاندار چهارمحال و بختیاری

س ـ چون در قدیم عشائر از همه مزایای زندگی محروم بودند شما برای این دسته محروم چه کرده اید؟

ج ـ عشائر سهمیه آرد، قندوشکرو دخانیات نداشتند و با قیمت گزاف تهیه میکردند و واسطه‌ها دامهای آنها را ارزان می‌خریدندوآنچه‌راکه‌سهمیه‌نداشتند گران تر بآنها میفروختند، ما با ایجاد فروشگاههای عشائری و تهیه مواد خوراکی و حمل وسائل یا وسایل نقلیه‌دولتی، آسایش آنها را تامین نمودیم و حتی‌منطقه‌پازفت‌راکه‌فاقدراه‌وارتباط میباشدبااستفاده‌ازهلیکوپتر (شنوک) بدان مرتبا" مواد غذائی میرسانیم.

با توجه به نداشتن دکتر و دارو دیگر مسائل بهداشتی، پزشکان مجرب متدین از تهران وسایر شهرستانها بکمک آمده‌اند ومدتها بطور رایگان دراین منطقه دورافتاده محروم بخدمت مشغول بوده‌اند.

س ـ در مورد راهها چه اقداماتی کرده‌اید؟

ج ـ استان چهار محال و بختیاری بعلت کوهستانی‌بودن آن، ایجاد راه و برقرارنمودن راه دراین منطقه بسیار مشکل و مستلزم مخارج سنگین و فرصت کافی میباشد ولی معذلک ازکلیه امکانات استفاده شده است و حتی با اجاره کردن ماشین آلات سنگین راهسازی و استفاده از نیروی جوان آقایان دیپلمه وفوق دیپلم راه و ساختمان در اکیپ های مختلف در مناطق مختلف به‌ایجاد ارتباط و تسطیح و ترمیم جاده ها مشغول شده اند ولی بایدتوجه داشت که دریک‌زمان کوتاه‌هرگز نمیتوان کلیه کمبودها وخرابی جاده‌هاو نیازهای‌منطقه‌راتامین‌کرد. اعتبار و بودجه بهرمقدارکه‌بتوان هزینه‌نمودتامین است، مشکل، انتظار مردم است‌برای رفع کمبودها در کوتاهترین مدت، هر قدر در گذشته رنج برده‌اند اکنون میخواهند سریعتر جبران کنند.

س ـ باتوجه‌اینکه‌استان‌چهارمحال منطقه‌ای‌است کشاورزی ودامداری‌اقدامات‌شمادرمورداولویت‌این‌دوعامل‌اساسی چیست؟

ج ـ در استان چهار محال سه رکن اساسی بدون ارتباط با یکدیگر و مجزا از هم دیده میشود.

۱ـ زمینهای‌قابل‌کشت‌فراوان‌است، اماآب‌نیست‌وبعلت‌نداشتن آب از آنها استفاده نمیشود.

۲ـ دریاچه‌های فراوان موجود است اما بعلت پائین‌بودن سطح آنها از سطح زمین‌های زراعتی از آنها استفاده نمیشود.

۳ـ نیروهای انسانی که‌جویای‌کارهستند بدنبال اشتغال میگردند فراوان دیده میشوند، متاسفانه بین‌آن سه‌عامل‌اصلی ارتباطی وجود ندارد، طرح جامعی با کمک کارشناسان کشاورزی و مدیریت کل کشاورزی تهیه‌کرده‌ایم و به وزارت کشاورزی‌تقدیم شده است تا چنانچه ازنظر آن وزارتخانه مفید و عملی شناخته شوددرسطح استان پیاده‌شودواین استان از نقطه نظر کشاورزی منطقه نمونه‌ای شود، البته‌درباره حفر چاههای عمیق، تنقیه قنوات، لاروبی شهرها اقدامات سریع و رایگان انجام گرفته و ازکمک به کشاورزان درامیدر، کود و دیگر وسائل کوتاهی نشده است درباره دامداری منطقه، مشکل امسال درهمه‌مناطق، مساله مرتع بود که با توجه به ملی بودن مراتع و سپس آزاد شدن آنها وادعای‌مالکیت مراتع از طرف عده‌ای خاص، دامداران‌غیربومی دچار اشکال شدند. ما با تلاش زیاد و تشکیل جلسات متعدد دعوت صاحبان مراتع و دامداران از طریق کدخدامنشی مشکل آنها را حل کردیم و با تهیه جو به‌قیمت دولتی به حل مشکل آنان کمک شد.

س ـ مشکل بیکاری را در منطقه چگونه حل کردید؟

ج ـ مابااستفاده ازجوانان درکارهای عمرانی ۱ ـ راههای روستائی ۲ ـ نوسازی مدارس ـ مسکن و شهرسازی ـ بهداشت محیط، دفترفنی وتامین نیاز شهرداریهااشتغال بوجودآوردیم وعده‌ای‌ازدیپلمه‌هابکارمشغول‌شدند و تعداد زیادی‌هم‌در انتظار استخدام‌در وزارت آموزش و پرورش می‌باشندکه بعنوان‌معلم‌چند پیشه استخدام خواهدشدداماداری هم در مناطق زلزله‌زده‌ای که به ایجاد شهرک مشغول‌هستند استفاده گردیده‌است.

س ـ ازنقطه‌نظر عشائر وایلات بختیاری مشکلی ندارید؟

ج ـ خوشبختانه‌عشائروایلات‌دلاور و غیوربختیاری‌تماما" وفاداری و همبستگی خود را کرارا" بعرض رهبر عالیقدر خود رسانیده‌اند، آنها دارای یک زندگی آرام و با صفائی هستند تنها انتظاری‌که‌ازدولت دارند ایجاد راه‌و بر قرار کردن ارتباط و تشکیل فروشگاههای مواد غذائی‌و تامین دارو و اعزام‌پزشک‌به مناطق‌آنهامی‌باشددراین‌زمینه‌ازهیچگونه‌کوششی‌مضایقه‌نکرده‌ایم و ما از همه‌عشائر که با صفا و پاکی به زندگی آرام خود مشغول هستندوتحت‌تاثیرفریب‌های توطئه گران‌و چهره های‌ضد انقلاب قرار نمی‌گیرند بسیارمتشکریم‌وامیدواریم بتوانیم صادقانه‌درحق آنهاخدمت کنیم و حداقل زنگی آنها را تامین نمائیم.

س ـ مناسبات شما با کمیته‌ها چگونه است؟

ج ـ مناسبات‌بسیارخوبست‌و بااعضاءکمیته‌وحجت الاسلام رمضانی نماینده امام کمال تفاهم‌را داریم و هیچگونه‌مداخله‌در کار یکدیگر نداریم نه تنها مزاحم هم نبوده‌ایم بلکه یاریکدیگر هم بوده‌ایم و هم چنین است رابطه‌ماباپاسداران.

س ـ تعدادزندانیان سیاسی و ضد انقلاب چند نفراست

ج ـ خیلی دقیق نمیدانم و شاید سی نفر باشند.

س ـ وضع‌تسلط‌قوای‌انتظامی‌درحوزه‌ماموریت‌شماچگونه‌است؟

ج ـ حس اعتمادی که مردم از دست داده بودند بتدریج برمیگردد و امیدواریم درآینده وظائف خود را انجام‌بدهند.

س ـ پادگان‌های آنجا در چه حال است؟

ج ـ یک هنگ‌ژاندارمری داریم که وظائف‌محوله‌راانجام میدهد.

س ـ چنانچه میدانید حوزه ماموریت شما همیشه و بیشتر اوقات درآن ایام که دیگرنقاط مملکت در آرامش بوده‌است‌محل وقوع حوادث و ناامنی‌هابوده است ممکن است بفرمائیدامروزکه متاسفانه بیشتر استانها دستخوش حادثه و ناامنی هستند چراو چگونه در چهارمحال‌وبختیاری نه تنها حادثه‌ای نداریم بلکه میتوان آنرا آرام ترین و امن ترین نقاط‌کشور یافت؟

ج ـ عشایروایلات‌بختیاری‌ازصفاومحبت‌خاصی‌برخوردارند که در گذشته بر اثر تحریکات و اعمال نفوذ دست به بعضی از اعمال ناروا میزده‌اند و همیشه از نظر مالی و مزایای‌زندگی در محرومیت‌بسرمیبرده‌اندبه این مناسبت‌از سران خوددلخوشی نداشتند اکنون که بحمدالله از رفاه نسبی برخوردار شده‌اند و با تعیین سهمیه آرد و قند وشکر و دخانیات که با وسائل‌دولتی بآن‌نقاط حمل‌میشودوهم‌چنین‌خدمات‌درمانی‌و داروبرخوردارند چنین‌تشخیص داده‌اند که‌بارهبری حضرت امام میتوانند زندگی مرفه‌وآرامی‌داشته باشندوبنابرهمین‌اصل است‌که‌کرارا" دسته‌های مختلف عشایر بختیاری بحضور امام شرفیاب و همبستگی اعلام و با حکومت انقلاب همکاری صمیمانه‌دارند و امام هم درحقشان دعا فرموده‌اند و دولت و کارکنان اداری در خدمت صادقانه به این مردم دلاور و پاک ضمیر هستند.

س ـ اساسا" مسئله‌ای بنام ایل و سران آن دارید؟

ج ـ سران ایل هم عملا" خود را در خدمت‌دولت‌انقلاب ومردم‌نهاده‌اندوشرایط رابخوبی‌پذیرا شده‌اند امیدواریم بزودی راههای روستائی عشایری و سایر نیازهای منطقه‌رابروفق خواسته مردم تامین نمائیم.

س ـ از اعتبارات واگذاری چه استفاده‌ای شده‌است؟

ج ـ از اعتبارات طرح خاص ناحیه‌ای ۹۷/ میلیون تومان باختیار استانداری گذاشته شده‌که برای راههائی روستائی ۴۰/ میلیون ونیازهای‌ضروری ۹میلیون که تمام آن باضافه ۱۱/ میلیون از راههای روستائی و سازندگی اختصاص داده‌ایم.

س ـ کارهای جهاد سازندگی در چه مرحله است؟

ج ـ علاوه‌براینکه همه امکانات را از همه دهات دراختیار گذاشته‌ایم بعلت نیاز براههای روستائی تاکنون ۱۶/ دستگاه بولدوزر دی ـ ۸ اجاره شده ومشغول کاردرمناطق برای‌راهسازی است.

س ـ مساله کوچ ایلات بختیاری در چه وضع است؟

ج ـ خوی مهاجرت و استفاده از امکانات طبیعی‌تاآنجادر روحیه‌مردم‌رسوخ داشته است که با وجود ساختمان‌منازل‌وایجاد وسائل اسکان هنوز هم داستان کوچ و رفتن ایلات و احشام‌شان به ییلاق و قشلاق متداول است.

متشکرم.

شرایط آموزشی باخواست جامعه منطبق نیست

مصاحبه بادانشجویان متحصن در وزارت‌علوم:

مجتمع آموزش‌پزشکی‌شیروخورشید باید زیرسیاست آموزش کلی کشور قرار بگیرد

دانشجویان متحصن:

فلسفه‌ایجاد مجتمع آموزشی پزشکی شیر و خورشید، درست کردن تعدادی پزشک‌های آماری برای مناطق دورافتاده مملکت و یک خوشرقصی برای‌دربار بوده.

مصاحبه‌ای‌داشتیم با دانشجویان مجتمع آموزشی پزشکی شیر و خورشید که در طبقه دوم وزارت علوم متحصن‌شده‌اند و امروز (پنجشنبه ۴مرداد) دوازدهمین‌روزتحصن‌خودرامیگذرانند. ازنماینده این‌دانشجویان‌سئوال‌کردیم که علت اصلی این‌تحصن چیست؟

ج ـ وزارت بهداری (شیروخورشید سابق) ۳۲۰ دانشجو رابا ضوابط خاص خود استخدام کرده که شرایط‌آموزشی موجود باخواست کلی جامعه منطبق نیست، ما میخواهیم از زیر ضوابط و مقررات‌بهداری‌خارج‌شده و مثل تمام‌دانشکده‌هادر زیرسیاست آموزشی‌کل کشور قراربگیریم، بطوریکه از دانشجویان این مجتمع تنها شیرو خورشید استفاده نکند. قبل از انقلاب این امر راپی گیری کردیم و همین طور بعد از انقلاب و چون به خواستهای منطقی ما رسیدگی نشد دست به تحصن زدیم.

س ـ بادرنظر گرفتن موقعیت و اوضاع دولت و اینکه گفته شده با هیچ گروه درحال تحصن و اعتصاب مذاکره نخواهدشد، آیا این‌عمل (تحصن) را منطقی میدانید؟

ج ـ اولا" اینکه ما گروه غیر متحصن هم‌داریم، دوم‌اینکه چاره‌نداشتیم‌وقتی‌مسئولین امور میتوانند بکارما رسیدگی کنندو نمی‌کنند، ماهم مجبوریم تحصن کنیم.

س ـ بهرحال آیا تاکنون به وضع شما رسیدگی‌شده‌است یا نه‌وچگونه بوده است؟

ج ـ روز اول تحصن نزد وزیر فرهنگ و آموزش‌عالی‌رفتیم وایشان باصراحت‌در زیر ورقه خواسته‌های ما نوشتندکه "رسیدگی به این‌کار در صلاحیت وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیست" و این منطقی نیست‌زیرا وزرای‌قبلی مثل معتمدی همیشه‌درجلسات هیئت‌امناء این مجتمع شرکت‌میکردند دیگراینکه اساسنامه‌مجتمع در سال ۵۴ به تصویب وزارت آموزش عالی کشور رسیده و زیر نظارت‌مستقیم وزارت‌علوم وآموزش عالی قراردارد وکمک‌هزینه دانشجویان این‌مجتمع را هم وزارت علوم میدهد.

س ـ دربیرون‌ازساختمان‌اعلامیه‌ای‌بدیوار نصب شده که درآن‌آمده‌است‌درصورت‌عدم‌رسیدگی‌دست‌به‌افشاگری‌خواهیدزد چه‌نوع افشاگری؟

ج ـ برملاکردن‌سیاست‌وزارت‌بهداری‌وطفره‌رفتن‌وزارت‌علوم و نمایاندن کارشکنی آنها برای مردم، زیرا سیاست فعلی همان سیاست‌رژیم قبلی‌است‌که گروهی پزشک با ابعاد ویژه و برای امور ویژه تهیه میکردند پزشکی که به متن اجتماع برود وزارت علوم هم حرفهای قبلی را تکرارمیکند.

س ـ درچندروز آینده وضعتان را چگونه می‌بینید؟

ج ـ اگر جواب منطقی ندهند، تحصن ادامه پیدا خواهد کرد، و مسئولیت تعطیل شدن این مجتمع هم به عهده وزرای آموزش عالی وبهداریست.

آگهی تاسیس

شرکت خدمات فنی تلفن با مسئولیت محدود در تاریخ ۵۸/۳/۶تحت‌شماره ۳۳۷۲۶دراین اداره‌به‌ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

۱ ـ موضوع شرکت: مشاوره و خرید و فروش و نصب و سرویس نگهداری‌هرگونه‌مراکزتلفن و دستگاههای الکترونیکی ومخابراتی وهرگونه‌معاملات‌وقراردادهای‌مجازاز این نوع و گرفتن‌نمایندگی از کارخانجات خارجی

۲ـ مرکزاصلی‌شرکت: تهران خیابان گاندی نبش خیابان‌بیستم طبقه اول

۳ ـ سرمایه شرکت: مبلغ پنج میلیون ریال

۴ ـ مدیران و دارندگان حق امضاء: آقایان علی اکبر طاهری و مجتبی پروستان و غلامحسین حاجیان و خانم نسرین رهبری مدیران‌شرکت که آقای علی اکبر طاهری بسمت مدیر عامل آقای مجتبی پروستان مدیر فنی میباشد حق امضاء کلیه اوراق بهادار چکهاوسفته‌ها و اوراق مالی با امضاء مدیرعامل و یکی دیگر از مدیران و مهرشرکت و اوراق عادی و قراردادها بامضای مدیر عامل و مهر شرکت معتبر میباشد.

یحیی مدنی ـ مدیر کل ثبت شرکتهاومالکیت‌صنعتی

۷۰۵۱م الف آ ـ ش ۱۷۶ ۱ـ۱

آگهی حصر وراثت

خانم اشرف السادات ابطحی بشناسنامه ۸۳ بشرح دادخواست کلاسه۴۴۸/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان سید محمدملیح بشناسنامه ۶۶۲۴ درتاریخ ۵۸/۲/۶ درگذشته ورثه وی عبارتند ازدرخواست‌کننده دختر و سیدعلی ملیح شناسنامه ۵۹۴۵ وسید رضا ملیح بشناسنامه ۶۲۱۷ و امیر حسین ملیح بشناسنامه ۱۲۵۱ پسران و بی بی حوابیگم ملیح بشناسنامه ۳۶۲۳ همسر دائمی.

لذامرتب‌سه‌نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای ازدرگذشته نزداشخاصی باشدظرف‌سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه‌تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هروصیتنامه‌ای جز رسمی و سری‌که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه۷۴دادگاه‌شهرستان‌تهران ـ سازگاری

۷۰۵۵م‌الف آ ـ ش ۱۸۰ ۳ـ۱

نقش شگرف موسیقی

چیست دانی این صدای چنگ و عود؟
انت حسبی انت کافی یا ودود
نیست در افسردگان ذوق سماع
.. ورنه عالم را گرفتست این سرود
عبدالرحمن جامی

دردو هفته پیش، گروهی "گویا از رادیو دریا" در حضور رهبر، امام خمینی، بحث موسیقی را پیش کشیده و نظر ایشان را خواستار شده‌بودند حضرت آیه‌اله، موسیقی را براساس پیش بینی‌های شرع‌مقدس عنوان نکرده‌بودند که جزما" و صراحتا" بگویند: حلال‌است‌یاحرام! برمبنای‌استنباط شخصی آنرا تخدیر کننده خوانده‌بودند، البته‌دراینکه‌غرق‌شدن‌درموسیقی ولاینقطع با آن دمساز بودن، آدمی را از تحرکات شخصی و اجتماعی باز میدارد، هیچ محل حرف نیست ولی آیا شنیدن موسیقی آنهم گاهگاه، همین مشکل راپیش خواهد آورد؟ جای تامل است بگفته سعدی:

دانی مراچه‌گفت آن بلبل سحری — توخود چه آدمی کز عشق بی‌خبری
اشتر به‌شعرعرب درحالتست‌وطرب — گر ذوق نیست تراکژطبع جانوری

موسیقی جزو فطرت و جبلت آدمی است و منفک از وجود آدمی حتی جانوران نیست.

پس حکیمان گفته‌اند این لحن‌ها — از دوار چرخ بگرفتیم ما
بانگ گردش‌های چرخ است اینکه خلق — می سرایندش به‌طنبور و بحلق
ما همه اجزاء آدم بوده‌ایم — در بهشت آن لحن‌ها بشنوده‌ایم

بحث موسیقی و پژوهش در زمینه آن، بحثی نیست که در یکی دو مقالت بگنجد ولی چون این‌روزها، دامنه‌آن برسانه‌های گروهی رسیده و گویا رادیو ـ تلویزیون مصمم است که استثناآتی برای‌آن از قبیل سرودو سایر آهنگ‌های هیجان انگیز قائل‌شود، بدنیست که تحقیقی چند ولی به اختصار در زمینه موسیقی و سوابق تاریخی و اسلامی آن بکنیم و دنباله آنرا به اهل تحقیق در زمینه‌های وسیع‌تر باز گذاریم.

کشور ایران از دیرزمان با هنر موسیقی آشنائی داشته است، هر چند تاکنون مدارکی که ما را از کیفیت موسیقی قبل‌از اسلام درایران‌آگاه‌سازد، بدست‌نیامده، اما از نوشته‌های مورخان قدیم و آثاری که‌از کاوشهای باستان شناسی بدست‌آمده، موسیقی درزندگی‌اجتماعی وفرهنگی مردم قدیم ایران نقش مهمی‌داشته است.

"هرودوت" درباره مراسم مذهبی ایرانیان قبل از اسلام می‌نویسد: ایرانیان برای نذر و قربانی به مقدسات خود، آتش روشن میکردند و در حضور موبد، سرود مذهبی میخواندند.

موسیقی‌درمراسم مذهبی و اداب رزم و بالاخره درزندگی اجتماعی ایرانیان سهم بسزائی داشته است چنانچه "گاتهای زردشت" مجموعه‌ای از اشعار بسبک نثر مسجع و شامل سرودهای مذهبی بوده که با آهنگهای خاصی ادا میشده است.

نخستین شناسائی از موسیقی قدیم ایران ما، به هزار و چهارصدسال، یعنی در زمان ساسانیان میرسد و میتوان موسیقی این دوره را ریشه موسیقی ایران بعد از اسلام و همچنین ریشه موسیقی های ممالک خاورمیانه دانست.

درآئین مزدک که‌در زمان قبادساسانی‌ظهور کرد، موسیقی بعنوان‌یکی از نیروهای معنوی چهارگانه: شعور ـ عقل ـ حافظه شادی‌در برابرخداوند، چهره کرد، این چهار نیرو، بدستیاری شش وزیر، امور عالم را اداره میکنند و وزیران میان‌دوازده روح در حرکتند که یکی از آنها: خواننده و سراینده موسیقی است، احراز این مقام در آئین مزدک نشانه آن است که موسیقی در زندگی روزانه مردم آنروز جزو احتیاجات روحی بشمار میرفته و مورد علاقه همگان بوده است.

بعلاوه‌شواهدی‌دردست‌است‌که‌موسیقی‌دانان، خوانندگان، نوازندگان‌مقامی ارجمند داشته‌اند، چنانکه بهنگام افتتاح سدی برروددخانه دجله موسیقی دانان، همردیف "ساترابها" دعوت میشدند.

از استادان‌بنام‌این‌عصر: رامتین ـ بامشاد ـ آزادورچنگی سرکش ـ باربد را میتوان نام برد.

دستگاههای‌منسوب به "باربد" شامل هفت خسروانی، سی لحن وسیصد وشصت دستان بوده که با هفت روز هفته و سی‌روز ماه و سیصد و شصت وپنج روز سال، مطابقت داشته است.

دردیوان منوچهری و مثنوی خسرو و شیرین نظامی و سایر آثار گویندگان و نویسندگان ایرانی و عرب نامهای بسیاری از آوازهاو قطعات‌موسیقی برده شده که تشخیص نوع وگام وکیفیات اجرای‌آنهامیسرنیست‌مثلا: یزدان آفرید، محتملا" نام سرودی مذهبی بوده است.

برخی دیگر جشن‌ها و اعیاد در فصول مختلف، بخصوص فرارسیدن‌بهار راشرح‌وتوصیف کرده‌اند از جمله‌اند: نوروز بزرگ ـ گلزار ـ سبزه بهار ـ راه گل ـ آرایش خورشید و ماه ـ ابهر کوهان ـ که‌در آنها مناظر زیبای طبیعت و نشاط‌زندگی توصیف شده است.

بعضی از این اسامی هنوز در بین گوشه‌های دستگاههای موسیقی کنونی ایران و دیگرممالک اسلامی متداول است.

پس از استیلای اعراب

در اوانیکه تازیان بفتح ایران نایل آمدند، هنر موسیقی را کاملتر ازآن خود یافتند و ساز و عود را در موسیقی خودوارد ساختندوشک‌نیست‌که‌موسیقی عربی براساس موسیقی قدیم ایران تنظیم شده است.

در همان دوران، اعراب، موسیقی ایران را پذیرفتند و هنرمندانی در شهرهای ممالک عربی ظهور کردند که ازآن‌جمله یکی: "نشیط"ایرانی نسب‌و "سائب خائر" است بطوریکه‌دربار خلفای عباسی در بغداد محفل استادانی‌مثل ابراهیم موصلی و پسر او اسحق و نوه او حامد گردید.

در کتاب "مروج الذهب" و "اغانی" اسامی و شرح‌احوال هنرمندانی که در ترویج موسیقی ایرانی در ممالک عربی دست داشته‌اند به تفصیل ذکر شده است.

در عصر تمدن اسلامی

اسلام چندان‌روی‌موافقی به‌موسیقی نشان نداد وبه‌تقریب نظر اسلام به موسیقی، همان نظر افلاطون است، بدین‌معنی که موسیقی‌تاآنجا که نمودار تحرک و زندگی باشد، مورد تائیداست ولی‌اگربرای‌عیش و عشرت‌و طرب‌محض باشدو مردم را از حقایق زندگی‌وتفکرات‌انسانی باز داردتحریم شده است و بهمین‌دلیل آهنگ "هدی"وآهنگهای دیگری که بمثابه مارشهای نظامی بوده است در جنگهای اسلامی بکار برده میشده است و آنرا جز برای تلاوت‌قرآن مجیدوگفتن اذان جایزندانست‌و یا بصورت ابتدائی درمجالس عروسی، بدیهی است چنین موسیقی محدودی‌احتیاج به سازهای متنوع نداشت و قهرا" اصالت آن از میان میرفت با وجود این، ایرانیهاکه خون آنها با آهنگ‌های موسیقی عجین شده‌وازهنگام‌کودکی او رابا لالائی بخواب‌می‌برده، نمی‌توانست این محدودیت را بپذیرد بلکه آنرا در خفا حفظ میکرد و گوش بگوش و سینه به سینه منتقلش میساخت.

سازهائی‌که‌دراین‌دوران متداول بود، برای اینکه ازتعرض قشریها محفوظ‌بماند معمولا" کم صدا و کوچک و ظریف انتخاب میشد که بتوان آنرا به راحتی حمل کرد و بعید نیست تعبیه سه تار که یک "تار" کوچک است مبتنی برهمین فکر باشد.

درآثار شعر و ادب پارسی، اشارات و کنایات بسیاریست که نمایانگر این اعتراض است.

بانگ مودن مرا کشد سوی مسجد — ناله جانسوز تار اگر بگذارد

* * *

عالم‌ازناله"عشاق"مباداخالی — که‌خوش‌آهنگ‌وفرحبخش‌نوائی‌دارد

موسیقی کلامی

درایران همیشه، موسیقی متکی بکلام و شعر موزون وترانه های دلچسب وگیرا بوده‌است و هرکجا ساز نواخته میشد شعری با آن همراه بود.

نوازندگان ما، بعد از اسلام، بخصوص در میان قرنهای ششم ببعد، اشعار دل انگیز عرفانی و اخلاقی و فلسفی را باآن توام میساختند و غالبا" آثاری از اساتید برمیگزیدند، حتی جلال‌الدین‌محمد صاحب‌مثنوی، هروقت غزلی می‌پرداخت خالی از ریتم و آهنگ نبود:

با ما صنما، دل، یکدله کن — گر سر ننهم، وآنگه گله کن
سی پاره بکف، در چله مزی — سی پاره منم، ترک چله کن

* * *

چون‌من‌خراب‌مست‌رادرخانه‌خودره‌دهی
وآنگه‌نمی‌گوئی‌که‌من، این‌بشکنم، آن‌بشکنم

حجت‌الاسلام، امام‌محمدغزالی در "کیمیای‌سعادت" میگوید:

لذت سماع حالتی پدید آرد در گوهرآدمی، بی آنکه‌کس را درآن اختیاری باشد و سبب آن مناسبتی است که گوهر آدمی را با عالم علوی هست و عالم علوی عالم حسن و جمال است‌و اصل‌حسن وجمال متناسب‌است‌وهرچه‌متناسب باشد، نموداریست در کارآن عالم...

"شوپنهاور" میگوید: قدرت‌هنر در بالا بردن ما از عالم نفسانی بیشتر در موسیقی آشکاراست، موسیقی بخلاف هنرهای دیگر رونوشت آمال یا تصورات و یا حقیقت اشیاء نیست بلکه جلوه‌ایست از خود اراده بهمین مناسبت اثر آن از دیگر هنر ها نافذتر و قوی‌تراست.

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
شرمنده، رهروی که عمل بر مجاز کرد
حافظ

درعزای خلیل ملکی و جلال آل احمد

محمدعلی همایون کاتوزیان

درست ده سال پیش خبر رسید که چراغ عمر خلیل ملکی، عمری را در زندان وخارج از زندان فقط درمبارزهٔ علمی و عملی برای استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی سپری شده بود، برای‌همیشه‌خاموش شد. کسانی‌که ملکی راخوب‌می‌شناختند، میدانستند. که این‌چه ضایعهٔ‌بزرگ فردی واجتماعی برای‌کسان، دوستان‌خودش‌و ـ مهمترازآن ـ نهضت‌ملی‌ومترقی‌ایران‌درشمار‌می‌آمد اما درست این‌واقعیت دردناک که کمترکسی او را خوب‌می‌شناخت و قدر دانش و کوشش اجتماعی او را می‌دانست درد مردنش را برای آنان که او را خوب می‌شناختند مضاعف می‌کرد. یکی از اینان همسر همراه دلیرش بانو صبیحهٔ‌ملکی (گنجه‌ای) بودکه در همان تاریخ در نامهٔ خود به اینجانب نوشتند: "اینجا، من که همچو مردی ندیدم، امیدوارم در خارج از این مرز وبوم پیدا شود. خلیل هیچ دلش نمی‌خواست به این زودی از دنیا برود و همیشه برای خودش نقشه‌های عریض و طویل داشت... به هر ـ صورت اجل فوری او را از بین برد...". و دیگری جلال آل ـ احمدنویسندهٔ‌نامدار ومبارز، ومرید خلیل‌ملکی بود که با اندک فاصله‌ای به مراد خود پیوست و عزای دوستان و همرزمان خودرا دوچندان کرد. ملکی وصیت کرده بود که او را در احمدآباد در کنار شادروان دکتر محمدمصدق به خاک سپارند که البته بر اثر ممانعت سازمان (ضد) امنیت ممکن نشد. ناچار جسدش را در امامزاده عبدالله به امانت گذاشتند، و اندکی بعد جلال را نیز هم بالین او کردند.

مرگ ملکی اینجانب را مبهوت کرد و چون خبر جلال را آوردند. بغضم ترکید، ابیات زیر که با استقبال از مرثیهٔ‌مسعود سعدسلمان‌برای‌سیدحسن‌غزنوی گفته‌شده است ـ یادگارآن‌طوفان روحی است وگرنه بنده نه ادعائی به شاعری دارم و نه شهرتی.

لندن ـ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸

برتوأم، ای‌جلال، دل‌سوزد — که ادب چون‌تو نامدارنداشت
چون تو دانشور و مبارز ومرد — صداگر داشت، صدهزارنداشت
"زآن‌اجل قصدجان‌پاک‌توکرد — که‌به‌ازجانت‌اختیارنداشت"*
"زآن ترا خاک درکنار گرفت — که‌چوتو شاه‌درکنارنداشت"*
این عزای‌تو، آن‌عزای‌خلیل — کزشمارخرد، شمارنداشت**
آن خلیلی که از دم تیغش — هیچ بت یاری فرار نداشت
آن رسولی که، درسراسرعمر، — بولهب دید و یار غارنداشت
آن‌امامی‌که،راست،چون‌جدت، — جنگ‌می‌کرد و ذوالفقارنداشت
آن مدرس که پیش دانش او — دانش هیچ کس تبار نداشت
آن مبارز که دین و دنیا را — برخی خلق خاکسار نداشت
من‌چه‌گویم ترا؟ که‌خود دانی — "که‌چوتوهیچ‌غمگسارنداشت"*
. . . . . .
ای عزیزان خفته دردل‌خاک — دلم از داغتان قرار نداشت
ای سواران رفته از میدان — جیش حق چون‌شماسوارنداشت
ای‌غریبان مرز ومیهن‌خویش — مرز ایران مگر مزار نداشت؟
گور تاریک از چه روی، مگر — مظهرظلم، حبس تارنداشت؟
. . . . . .
غم مدارید و غم نمی داریم — زانکه‌هرسال، حکم‌پارنداشت
ظلم ظالم غروب خواهد کرد — ظلمت شامگه قرار نداشت
نه فقط ما که ظالم و ظلمات — "درجهان‌عمرپایدارنداشت"*

* این ابیات و مصاریع از مسعود سعد است
** "ازشماردوچشم یک‌تن‌کم — وز شمار فرد هزاران‌بیش" ـ رودکی

آگهی حصر وراثت

آقای‌امیرناصرامیرعرفانی بشناسنامه۵۲ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۳۲۶/۵۸ مدنی این شعبه‌توضیح داده شادروان میرسید علی امیرعرفانی بشناسنامه ۷۷۱ شهرری در تاریخ ۵۵/۴/۱در شهرری جایگاه دائمی خود فوت کرده وراث قانونی نامبرده عبارتند از یک پسر بنام امیر ناصر و چهار دختر باسامی امیر نهضت‌خانم‌و افسرخانم و امیراکمل و امیراشرف و جز نامبردگان وارث دیگری ندارد.

لذا مراتب سه‌نوبت ماهی‌یکمرتبه در روزنامه رسمی ومحلی‌آگهی میشود تاچنانچه کسی اعتراضی‌دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد ازاین موعد ابرازشود از درجه اعتبارساقط است.

۶۶۸۴/م الف — این شعبه ۶۳ دادگاه شهرستان تهران در شهر ری ـ هوشنگ مؤیدی

آگهی حصر وراثت

آقای‌علیرضا مجتهدی بشناسنامه ۲۷۸۷تهران‌بشرح دادخواست کلاسه۲۴۲/۵۸این‌شعبه‌توضیح‌داده‌شادروان ابوالفضل مجتهدی بشناسنامه۵۸۱۲ شمیران‌در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۳ در تهران فوت نموده‌ورثه‌وی‌عبارتنداز‌دوپسر ۱ـ متقاضی ۲ـ ابراهیم مجتهدی بشناسنامه۶۳۵۱۷لندن ـ انگلستان‌ودودختربنامهای۱ـ ماه‌سیما مجتهدی‌بشناسنامه۴۰۱۴شمیران‌وعباسه‌مجتهدی‌بشناسنامه۱۱۳۲ حوزه۲تهران‌ویک‌عیال‌دائمی‌بنام‌مهین‌بانووارسته‌بشناسنامه۳۴۴۵۶ حوزه۲ تهران‌وغیرازنامبردگان‌فوق ورثه دیگری‌ندارد.

لذا مراتب سه‌نوبت ماهی‌یکمرتبه در روزنامه‌محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری‌که بعداز این موعد ابراز شود ارز درجه اعتبار ساقط است.

۶۶۸۲/م الف ۱ ـ ۳ شعبه ۱۰۱ دادگاه شهرستان تهران

رونوشت‌آگهی‌حصروراثت

آقای‌رضاشریعتی دارای‌شناسنامه شماره ۱۴۳۰ فرزند آقای‌حسین ازاین‌دادگاه‌درخواست‌گواهی‌حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که آقا حسین شریعتی بنابر شناسنامه ۱۳۱۴ در تاریخ ۱۳۵۶/۶/۲۰ در کاشان اقامتگاه دائمی خود بدرودزندگی‌گفته ورثه‌آنمرحوم منحصراست به ۱ ـ متقاضی ۲ ـ ابوالقاسم شریعتی نیاسری‌شناسنامه۲۴پسران ۳ انیس‌آغا شریعتی نیاسری‌شناسنامه ۱۳۱۶ دخترو فاطمه خانم شریعتی نیاسر شناسنامه ۱۳۱۵زوجه دائمی‌وغیر از نامبردگان وارث دیگری ندارد.

اینک با انجام تشریفات‌مقدماتی درخواست‌مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمرتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراض دارد ویا وصیتنامهٔ از متوفی نزداو باشد از تاریخ نشر نخستین‌آگهی ظرف سه‌ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر وهر وصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود.

۶۶۸۳/م الف — دادرس دادگاه شهرستان کاشان فلاحتی

گوناگون

دکتر سنجابی و کاندیداتوری مجلس خبرگان

درخبر تعیین کاندیداهای جبههٔ ملی که در شمارهٔ قبل درج گردید ، نام یکی از همکاران اشتباها" بجای جناب دکتر سنجابی بطبع رسیده بود .
لازم بتذکراست‌که‌آقای دکتر سنجابی ضمن نامه‌ای‌پذیرش نامزدی خود را در شرایط فعلی مورد تردید قرار داده است .

بقیه سر مقاله

جوانان‌کشور ما را بهمکاری‌باضد انقلاب‌متهم کرد که دل هروطن پرستی‌رابدرد میآورد راستی‌مگر همین فرزندان مانبودند که در برابر کاخ سفید طشت رسوائی فرعون زمان را بصدا درآوردند وعالیجناب‌کارتررابعواقب‌حمایت از شاه ظالم متوجه ساختند ؟ویا مگر این جوانان پرشور نبودند که با حمله جانبازانه در بورلی هیلز و کاخ مادرشاه جان خودرا کف دست نهادند حالا چه‌شده است که یکباره همه ضد انقلاب شده‌اند وسفیرانقلابی مادرسوئد آنانرا وابسته ساواک می‌شناسدو به‌قطع‌کمک‌هزینه‌تهدید میکنند ؟ آیا بهترنیست که بجای این‌همه تکفیرهااین همه تهدیدهالختی بیندیشیم و علت عدم رضایت فرزندانمان را صادقانه بررسی کنیم شاید در کار ما اشکالاتی وجودداشته‌باشد که‌دنیای‌خارج برآن‌چنین انگشت‌میگذارد و ما را محکوم میدارد .

داستان‌کشیدن‌دیوارچین بدورکشورونثاردشنامهاوشعارهای انقلابی شاید برای چند روز و توجه مردم کارساز باشد ولی‌در کارتثبیت‌موقعیت‌جهانی‌انقلاب نیاز به تعقل و اندیشه وگفتاری منطبق‌باعقل‌وجهان بینی‌واقعی داریم .

همین مجلس موسسان یا خبرگان‌بصورتی درآمده است‌که آدم را بیاد انحصار طلبی‌های منسوخه‌شاهنشاهی و حزب‌واحد میاندازد .

یاحقا "معتقدیم که الحکم الی‌الله است و چنانچه بعضی آیات‌عظام گفته‌اند حرف‌حکومت مردم برمردم وجود ندارد پس این همه هیاهو برای چیست‌یک شورای فقاهت برگزینید و کار را یکسره بدستش بگذارید ولی اگر معتقد بحکومت مردم بر مردم هستیم پس چرا برای انتخابات محیطی‌فراهم بکنیم که جز فقها و طرفداران‌ولایت فقیه کسی را امکان فعالیت نباشد و درصدد ساختن مجلسی باشیم که قطعا" برشدت این وضع خواهد افزود وحتما "ازحدت‌کارنخواهدکاست

مادرحالتی‌که‌صمیمانه‌برای مشارکت‌درانتخابات‌آماده‌میشویم بحکم وظیفه میهنی اعتقاد خود راپنهان نمیداریم که بگمان ما کار قانون اساسی در شکلی هم که‌منتشر شده است مورد تردید خواهد بودو با توجه بهئیت و ترکیب مجلس میتوان بخوبی درک‌کردکه‌یک قانون‌اساسی‌دیگر و بشکلی که مورد قبول‌این‌قبیل برگزیدگان باشد . بروی‌میزاین مجلس‌قرارگرفته‌وباتعصب بحلیه تصویب آراسته شود در نتیجه باقیمانده حقوق مردم‌رانیزبپای ولایت‌فقیه‌قربانی‌کنندبنابراین بنام‌مصلحت‌مملکت‌پیشنهادمیکنیم همین‌قانون‌پیشنهادی را به رای مردم‌گذاشته‌وازتصویب‌بگذرانندو از تقبل این همه زحمت وهزینه بنام مجلس خبرگان صرفنظر فرمایید . والا اگر بر جنبه های غیر عملی قانون اساسی افزوده شود و ذره‌ای از حقوق ملت را نادیده بگیرند حتما" از اعتبار ودوام‌و قوت و قدرت آن‌خواهد کاست ودرنتیجه قافله انقلاب‌ما بسرمنزل مقصود نخواهدرسید .
پیشنهادمیکنیم کارگزاران‌دولت بجای‌چماق تکفیر سلاح تدبیر را درمسائل حیاتی ملت بکار برند تاانشاءالله راهی که بخیال‌کعبه پیموده‌ایم به‌ترکستان‌نیانجامد .

احمدانواری

بقیه.. قربان میروم دم آخور

بود ، ارگرانی سرسام‌آورهرینه ناله میکردند و گناه تمام آنها را بگردن "رژیم" میانداختند وحق هم داشتند . مردم میگفتند چرا ما نباید بدانیم چقدرنفت میفروشیم وبه‌چه‌کشوری‌میفروشیم و پول آن چگونه مصرف‌میشود؟ و اینهم سؤال بجائی بود ، ملت گله و شکایت داشت‌که‌چرا رادیو و تلویریون باید تیول افرادی مانند "قطبی" باشد و این‌تنهاوسیله تفریح و سرگرمی خانواده‌هابمنزله بوق‌تبلیغاتی رژیم ، به نیارهای روحی و خواست آمورشی و منطقی ملت بی‌توجه باشد وبآنهادهن‌کجی کند ، مردم میگفتند ما گوشت "یخ رده" نمیخواهیم ولی حکومت‌آنرابخوردمردم‌میداد ، مردم عصیان‌رده شده‌بودندکه چرا باید رندانها ار مردمی که حق خود را می‌طلبند و حرف حق میزنند باید انباشته باشد مجموع آنچه مردم را بستوه آورده بود ، آنها را ناراضی و عصیان‌رده کرده بود چیری ار همین قبیل بود ، بعلاوه اینکه دست افراد بی‌مسئولیت تا ـ حدودی که امرور بروی‌مردم‌بار است بار نبود ، در دست‌افراد بی‌مسئولیت‌وبی‌صلاحیت‌اسلحه نبود و خیلی چیرهای دیگر که چه خونهائی که برای امرور ریخته نشد و چه جوانهائی که بشهادت نرسیدند حالا میرسیم باینکه نتیجه بگیریم و بپرسیم ار انقلاب چه چیرهائی عاید مردم شده و یا خدای ناکرده امرور مردم چه چیرهائی را ار دست داده‌اند . در اینجاست که باید کارمرحوم ملک‌الشعرای صبا را تکرارکنم و سخنی را که اوبه فتحعلی‌شاه گفت‌بشماعرض کنم و بگویم اجاره بفرمائید بجای اینکه پاسخ شما رابدهم ، خودم،،با پای خود بروم سر ـ آخور . . ؟

آگهی حصر وراثت

خانم‌فاطمه نجاری‌بشناسنامه ۵۰ موالیدد ماوند بشرح دادخواست کلاسه ۲۸۶/۵۸ این شعبه توضیح داده‌شادروان علی اکبر الیاسی بشناسنامه ۱۳۴ تجریش درتاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ در شمیران فوت نموده‌ورثه‌وی‌عبارتند ازمتقاضیه همسر دائمی و یک دختر خانم بنام نفیسه الیاسی بشناسنامه ۴۷۰حوزه۱تجریش وخانم‌راضیه فکری بشناسنامه ۱۰۶۵ تجریش و علی اصغر الیاسی بشناسنامه ۱۵۴۲ شمیران والدین متوفی و غیرازنامبردگان‌فوق ورثه‌دیگری ندارد .
لذامراتب سه‌نوبت‌ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشراولیه آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جزرسمی و سری که بعد از این موعد ابرازشود از درجه اعتبارساقط است .

۶۶۸۱ / م الف
شعبه۱۰۱دادگاه‌شهرستان تهران ـ منصوری

آگهی تاسیس اتوفروهاف با مسئولیت‌محدود

شرکت‌اتوفروهاف با مسئولیت محدود در تاریخ ۵۸/۳/۷ تحت‌شماره۳۳۷۳۲ دراین‌اداره‌به ثبت رسیده و خلاصه‌شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود :
۱ـ موضوع شرکت : تعمیر کلیه وسائل نقلیه موتوری ژنراتوربرق موتورهای حفاری و جرثقیل در هر نقطه ایران و واردات وسائل نقلیه‌مختلف‌و لوازم یدکی وسایل نقلیه و ماشین آلات وآموزش نحوه کار و رانندگی با همه گونه وسائل نقلیه سبک و سنگین از قبیل سواری کامیون تریلر جرثقیل اتوبوس و غیره .
۲ ـ مرکزاصلی‌شرکت : تهران خیابان سهروردی خیابان‌کیهان غربی پلاک ۹۳ طبقه همکف
۳ ـ سرمایه شرکت : مبلغ یک میلیون ریال
۴ ـ مدیران و دارندگان حق امضاء : آقای مظفر مستور تهرانی رئیس‌هئیت‌مدیره‌امیرمستورتهرانی خزانه‌دارمسعودمستور تهرانی مدیرعامل‌میباشند مدیرعامل‌به‌تنهائی‌دارنده‌حق امضاء‌میباشد .

مدیرکل ثبت‌شرکتهاو مالکیت صنعتی ـ یحیی‌مدنی
۷۰۵۳ م الف آ ـ ش ۱۷۸

آگهی تغییرات در شرکت خدمات می‌شید با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره = ۳۳۱۵۰

باستناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده‌مورخ۵۸/۳/۵ تغییرات زیر در شرکت نامبرده بعمل آمد۱ ـ اقای رضا فرشید اصل بادریافت کلیه سهم‌الشرکه‌خود از شرکت خارج گردید۲ ـ آقای علی‌میلانی‌زاده‌با پرداخت مبلغ سیصد و پنجاه هزارریال بصندوق‌شرکت‌میزان سهم‌الشرکه خود رابه مبلغ هشتصدوپنجاه هزار ریال افزایش داد۳ ـ آقای امیر حسن میلانی زاده فرزند علی بشناسنامه‌شماره۹۷۹۳ تهران متولد سال ۱۳۵۳باپرداخت یکصدوپنجاه هزارریال بصندوق شرکت جزء شرکاء قرار گرفت در اصل سرمایه تغییری حاصل نشد و میزان سهم‌الشرکه‌شرکاء بشرح بند دو و سه میباشد ۴ ـ آقای علی میلانی زاده بسمت مدیر عامل شرکت برای مدت نامحدود انتخاب گردید که حق امضاء بتنهائی با مدیر عامل همراه با مهرشرکت معتبر خواهدبود .

مدیرکل‌ثبت‌شرکتهاومالکیت‌صنعتی ـ یحیی مدنی
۷۰۵۰/ م‌الف آ ـ ش ۱۷۵

آگهی حصر وراثت

خانم‌خدیجه‌حاج‌ملارضائی بشناسنامه ۳۳۱۸۲بشرح دادخواست کلاسه ۹۲۴/۵۸ این‌شعبه‌توضیح داده شادروان علی اکبرمصوری بشناسنامه ۶۵۸۶ در تاریخ ۵۸/۲/۳۰ درگذشته ورثه‌وی‌عبارتند ازدرخواست‌کننده همسردائمی و ناصرمصوری بشناسنامه۱۳۵۷ـ ـ و نصیرمصوری‌بشناسنامه ۲۴۱۲ و نصرت‌اله مصوری بشناسنامه ۳۵۳۵ ـ و علی اصغر مصوری بشناسنامه ۱۸۰۸ و محمد مصوری بشناسنامه ۳۵۱۹ و نادر مصوری بشناسنامه . ۳۴۹دختران .
لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه‌از نشر اولین آگهی بدادگاه‌تقدیم داردوالاگواهی صادر خواهد شد و هروصیتنامه‌ای جز رسمی و سری‌که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است .

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه‌شهرستان‌تهران ـ سازگاری
۷۰۵۷م‌الف آ ـ ش ۱۸۲ ۳ ـ ۱

آگهی حصر وراثت

آقای جعفر علی شامی نوری بشناسنامه ۶۹۲ بشرح دادخواست کلاسه ۷۴۵/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان اکبر شامی نوری بشناسنامه ۳۵۱۴۷ در تاریخ ۵۸/۴/۲۴ درگذشته‌ورثه وی‌عبارتنداز درخواست کننده و محمد جوادشامی نوری‌بشناسنامه۳۰۴۱۱ ومحمد حسن شامی‌نوری بشناسنامه۵۲۲ وعلی اصغر شامی‌نوری بشناسنامه ۱۹۰۹ و فاطمه شامی‌نوری بشناسنامه ۵۶۲ ولیلی شامی نوری بشناسنامه ۳۱۴۱۷ دختران‌و فاطمه باغبان بشناسنامه ۵۰۰۰۶ همسر دائمی .
لذامراتب‌سه نوبت‌ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی‌آگهی میشود تا چنانچه‌کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای‌ازدرگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم داردوالا گواهی‌صادرخواهدشد و هر وصیتنامه‌ای‌جزرسمی وسری‌که‌بعداز این موعد ابراز شود از درجه اعتبارساقط‌است .

رئیس‌شعبه۷۴دادگاه شهرستان‌تهران ـ سازگاری
۷۰۵۶ م‌الف آ ـ ش ۱۸۱ ۳ـ۱

آگهی حصر وراثت

خانم معصومه امامی بشناسنامه ۱۱۶ بشرح دادخواست کلاسه ۳۶۷/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان شاهوار توکلی بشناسنامه ۱۳ در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۵ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست کننده همسر دائمی و محمدرضاتوکلی‌بشناسنامه۳۹۷ـ و محمد حسین توکلی‌بشناسنامه ۳۰۸۶ ومحمد علی‌توکلی‌بشناسنامه۳۱۴۰ومجیدتوکلی بشناسنامه ۱۳۳۶ ـ و عباس‌توکلی بشناسنامه ۳۱۷۶ پسران و مرضیه‌توکلی بشناسنامه ۱۱۱۸۰ و گیتی توکلی بشناسنامه ۱۱ و عفت خانم توکلی بشناسنامه ۱ دختران .
لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای‌از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه‌تقدیم داردوالاگواهی صادر خواهد شد و هروصیتنامه‌ای جزرسمی و سری که بعد از این موعد ابرازشود از درجه اعتبار ساقط‌است .

رئیس شعبه۷۴دادگاه شهرستان‌تهران ـ سازگاری
۷۰۵۸ م‌الف آ ـ ش ۱۸۳ ۳ ـ ۱

آگهی حصروراثت

آقای محمد شاملو بشناسنامه ۵۴۴۶۳ بشرح دادخواست کلاسه ۱۴۲ر۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان عزیزاله شاملو بشناسنامه ۸۴۲۷۲ در تاریخ ۱۳۴۸ر۸ر۳ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست‌کننده پدر و گوهر شاملو بشناسنامه ۵۴۴۶۳ مادر و عشرت شاملو علی‌آبادی بشناسنامه ۳۱۴۲ همسر دائمی و بهرام شاملو بشناسنامه ۸۱ پسر.
لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس‌شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری
۵۶۹۰ م‌الف ۲ـ۳ آـش‌ـ۱۲۸

آگهی حصروراثت

خانم فاطمه داورزنی بشناسنامه ۴۶۶ به شرح دادخواست کلاسه ۲۴۵۸ر۵۳۶. این‌شعبه توضیح‌داده شادروان‌عباسعلی بیزهٔ بشناسنامه ۶۳۳ در تاریخ ۱۳۵۳ر۱۱ر۲۷ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست کننده همسر دائمی و سیده زهرا بیزهٔ بشناسنامه ۴۱۰۶ و طاهره بیزهٔ بشناسنامه ۱۵۰۲ و صدیقه‌بیزهٔ بشناسنامه ۱۶۵۰۴ دختران وحسن بیزهٔ‌بشناسنامه ۳۱ و رضا بیزهٔ بشناسنامه ۸۱۰ پسران.
لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس‌شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری
۵۷۰۰ م ـالف ۲ـ۳ آـش‌ـ۱۲۹

آگهی حصروراثت

آقای‌مهدی‌فرین‌پور بشناسنامه ۱۲۵۳۵ بشرح‌دادخواست کلاسه ۲۸۹ر۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان استاد علی‌اصغر فرین‌پور بشناسنامه ۱۲۵۳۳ در تاریخ ۵۸ر۳ر۱۰ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست‌کننده پسر و تاجی فرین‌پور بشناسنامه ۱۲۵۳۶ دختر و سکینه مقوم‌امینی بشناسنامه ۳۶۱۹۵ و فاطمه حاجی‌زین‌العابدین بشناسنامه ۱۲۵۳۴ـ همسران دائمی.
لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس‌شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران ـ سازگاری
۵۶۹۳ م‌ـالف آـش‌ـ۱۳۲ ۲ـ۳

آگهی حصر وراثت

آقای مسگرترابی بشناسنامه ۱۶۴ بشرح دادخواست کلاسه ۲۲۴ر۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان عباسعلی مسگری‌میرآبی بشناسنامه ۸۶۵ در تاریخ ۵۷ر۹ر۲۲ درگذشته ورثه‌وی عبارتند از درخواست کننده ومهدی مسگری میرآبی بشناسنامه ۸۶۳۰ ورحیم مسگرمیرآبی بشناسنامه ـومیرآبی بشناسنامه ۱۱۵۱ پسران وحوریه مسگری برااابی بشناسنامه ۷۷۶ و توران مسگری‌برااابی بشناسنامه ۸۶۶ دختران و عصمت مختاری بشناسنامه ۲۲۱۲ همسر دائمی لذا مراتب سه‌نوبت ماهی یکمرتبه درروزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای ازدرگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف‌سه ماه از نشر اوین آگهی‌بدادگاه تقدیم دارد والاگواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی وسری که بعداز این موعد ابرازشود از درجه اعتبار ساقط است .

رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران سازگاری
آـش‌ـ۱۳۷ م الف ۵۶۹۶ ۲ـ۳

آگهی حصر وراثت

آقای منوچهر بیك‌زاده نوعی بشناسنامه ۵۱۷ بشرح دادخواست کلاسه ۵۸۵ر۵۸ این شعبه توضیح‌داده شادروان کاظم بیك‌زاده‌نوعی بشناسنامه ۱۷۳۸۲ در تاریخ ۵۸ر۲ر۳۰ درگذشته ورثه‌وی عبارتند از درخواست کننده پسر و ملیحه بیك‌زاده نوعی بشناسنامه ۲۵۹و مهرنوش بیك‌زاده نوعی بشناسنامه ۶ ومهرانگیز بیك‌زاده نوعی به شناسنامه ۱۶۷۴ و مهناز بیك‌راده نوعی به شناسنامه ۳۳۹ دختران وسریه کریمپور بشناسنامه ۱۶۶۷۵ همسردائمی .
لذا مراتب سه‌نوبت ماهی یك‌مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه ازنشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والاگواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جزرسمی و سری که بعد از این موعد ابرار شود از دزجه اعتبار ساقط‌است .

رئس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان‌تهران
آـش‌ـ ۱۳۳ م‌الف۵۶۹۴ ۲ـ۳

پرخاش

دارنده و مدیر مسئول: احمد انوار

دورهٔ پیروزی

بهای آگهیها

صفحه اول	هر سطر	یکهزار ریال
صفحه آخر	هر سطر	ششصد ریال
صفحات داخل	هر سطر	سیصد ریال

نشانی: پیچ شمیران خیابان دکتر شریعتی کوچه شقایق ـ پلاک ۲
تلفن: ۷۶۳۱۶۴

زیر نظر شورای نویسندگان
سی و سومین سال تاسیس
روزهای انتشار چهارشنبه

تک شماره ده ریال
پس از یک هفته پنجاه ریال
برای خارج از کشور ۲۵ پنس ـ نیم دلار

استمداد مهندس بازرگان از دکتر سنجابی درباره کردستان

روزجمعه گذشته و در دنباله بالا رفتن حوادث کردستان آقای مهندس بازرگان نخست وزیر بمنزل دکتر کریم سنجابی رفت و از ایشان برای مداخله درمساله کردستان از لحاظ اهمیت فوق العاده‌ای که پیدا کرده است استمداد نمود دکتر سنجابی که از وقایع اخیر بسختی متالم شده بود وعده داد که از هرگونه کمک و مساعدت دریغ نکند مشروط براینکه دولت و دستگاههای انقلاب هم آماده شنیدن حرف حساب مردم کردستان باشند دکتر سنجابی بمناسبت موقعیت خانوادگی و ریاست ایل سنجابی از احترام فوق العاده در مناطق کردنشین برخوردار است.

فضل اله المجاهدین علی القاعدین اجرا" عظیما. "قرآن کریم"

اجر شهید!

این روزها که نهضت انقلاب به ثمر نشسته و جوانانی جانباز و فداکار به میدان تاخته‌اند، برای بعضی این توهم پیش آمده که در این همه غوغای انبوه وهنگامه خیز، چطور میشود هرکس را بسهم فداکاری، نصیبی بخشید غافل از اینکه در اجرای این مقصود مقدس ملی، هیچ سهمی درمیان نیست و هرگاه، انقلاب راستین که عدالت محض و محض عدالت است، موضع واقعی خود را بدست آورد، تمام مردم به مقصود نهائی خود رسیده و پاداش خویش را دریافت کرده‌اند.

دگرگونی و انقلاب، فداکاری و جانبازی، دلالی نیست که هرکس به فراخور، پاداش دهد.

پاداش فداکاران آگاه، همان دریچه‌ایست که بروی افراد، گشوده میگردد، شهید خود خودفروش و معامله‌گر نیست که برای شهادتش خون بها طلب کند، یا بگفته آن شاعر:

دهند جای به پهلوی خودفروشانش
بروز حشر، شهیدی که خونبها دارد!

چگونه ترمینال تهران در خزانه ایجاد شد بخاطر لوث دزدیهای نیک پی و معتمدی مردم را آواره نکنید.

یکی از شاهکارهای جالب غلامرضا نیک پس شهردار معدوم و شاهنشاهی ایجاد ترمینال تهران در اراضی خزانه است که از مفتضح ترین کمدیهای نمایشی شاهنشاهی بشمار میرود کسانیکه در این روزها عبوری از خیابان باصطلاح انوشیروان داشته‌اند دیده و میدانند که این خیابان در حد خودکشش کافی برای وسائط نقلیه معمولی راندارد و تازه میخواهند یکباره بارترافیک مسافربریها را هم "زیرعنوان بهبود ترافیک باین منطقه بکشانند در توضیح شاهکار نیک پی باید دانست که اراضی این ترمینال متعلق بخزانه پدر زن قاسم معتمدی یار غار فاطمه پهلوی و وزیر و رئیس دانشگاه تهران و اصفهان رژیم گذشته است که حضرات بیک تیرچند نشان زده‌اند اولا" مبالغی از پول مردم را بنام خرید زمین بخانم دکتر قاسم معتمدی پرداخته و ثانیا" هشتاد میلیون تومان بابت هزینه این ساختمان بی‌ارزش بر بودجه شهرداری تحمیل کردند.

گفته میشود عاملان ایجاد این ساختمان برای آنکه امکان رسیدگی باین کثافت کاری شاهنشاهی را از میان ببرند درصدد سوءاستفاده از حرارت و علاقه آقای توسلی شهردار تهران برآمده ومیخواهند خیلی زود گاراژها را باین منطقه منتقل کنند حالا در این اوضاع وانفسا چه کسی است که تامین جان و مال مسافر رابعهده بگیرد و مسافران باچه وسیله‌ای از این مکان بشمیران و تهران پارس و سه راه طرشت بروند؟ خدامیداند!

از آقای توسلی شهردار تهران که در حسن نیت و علاقه‌مندی شان کوچکترین تردیدی نداریم میخواهیم جوانب کار را بررسی کنند.

نویسندگان پرخاش بااستفاده از هیئتی از کارشناسان درصدد بررسی کارترافیک تهران و جنبه‌های گوناگون آنست که تدریجا" این بررسیها را باطلاع خواهد رسانید.

۵ نفر مرده‌ای که احضار شدند

در اطلاعیه دادسرای انقلاب اسلامی: اصفهان که در اول مردادماه جاری خطاب به نمایندگان استان اصفهان صادر شده است اشخاص در گذشته زیر نیز برای استرداد حقوق احضار شده‌اند.

۱ ـ سید محمدباقر نیری	نماینده دوره ۲۱ اردستان
۲ ـ حسین معتمدی	نماینده دوره ۲۱ اصفهان
۳ ـ سرتیپ حسن وجدانیان	نماینده دوره ۲۲ اصفهان
۴ ـ جهانشاه صمصام	سناتور دوره چهارسنا اراصفهان
۵ ـ اشرف احمدی	سناتور دوره ۴ سنا اراصفهان

چون همگی در گذشته‌اند بلحاظ اصلاح لیست مذکور افتاد

متجاوزان به اموال عمومی در وزارت علوم

دراکثر دانشگاه‌ها ترکیه و تصفیه از عناصر وابسته به رژیم گذشته از نظر ارتباط با دربار ساواک و فراماسونری و سیا و موساد انجام گرفته است و استادان و کارکنان دانشگاه‌ها را از نظر وابستگی تصفیه نموده‌اند اما تاکنون تصفیه دانشگاه ها از افرادی که سوءاستفاده‌های مادی از بودجه دانشگاه‌ها کرده‌اند به عمل نیامده و یا لااقل آنان را تحت تعقیب قرارنداده‌اند استادانی که هنگام ریاست دانشگاه و یا معاونت و وزارت علوم سوءاستفاده‌های کلانی کرده‌اند مانند دکتر عبدالحسین سمیعی ـ دکتر محمد علی طوسی ـ دکتر پرویز آموزگار ـ دکتر مسلم بهادری ـ که در روزنامه‌های مختلف نسبت به آنان اعلام جرم شده است هنوز آزادانه می‌گردند و ازطرف وزارت علوم هیچگونه اقدامی تاکنون درباره آنها به عمل نیامده است.

آنان متهم هستند که میلیون‌ها ریال دریافتی از بابت انجام آزمون شناسی را میان خود و رفقا تقسیم کرده‌اند، اینک نظر آیت‌الله آذری قمی دادستان محترم انقلاب اسلامی تهران را به این موضوع جلب می‌نماید زیرا سوءاستفاده‌های نامبردگان بسیار زیاد و زیان و ضرر آن متوجه فرهنگ کشور بوده که النهایه موجب فساد و سستی عقیده دانشجویان گردیده است. امیداست که دراین باره اقدام و دستور جلب آنان را صادر فرمایند.

اشتباه مدیران مدارس عالی خصوصی

پس ازانقلاب وتشکیل دولت موقت جمهوری ـ اسلامی همه کسانیکه به تصور خود از رژیم طاغوت متضرر بودند به بیان شکایت و دادخواهی پرداختند منجمله مدیران مدارس عالی خصوصی بودند که معتقد بودند دستگاه استبداد بدون دلیل مدارس آنها را ازدستشان گرفته است. آقایان بطور دسته‌جمعی به دیدار آقای دکتر شریعتمداری وزیر علوم رفتند و ضمن بیان شکایت تقاضای تعقیب عاملان تباهی آموزش عالی را داشتند. از دیدگاه آقایان افرادی چون دکتر قاسم معتمدی، دکتر هوشنگ نهاوندی، دکتر طوسی و دکتر عبدالحسین سمیعی باید تسلیم محاکم انقلابی میشدند و آقای دکتر شریعتمداری با عصبانیت و زدن مشت روی میز اظهار داشتند برای تعقیب هیچکس بوزارت علوم نیامده‌اند و ماموریت ایشان فقط اداره دانشگاهها و موءسسات آموزش عالی است خبرنگار پرخاش که ازجلسه مزبور استراق سمع میکرده گزارش میدهد که اظهارات وزیر علوم با عصبانیت بی‌سابقه‌ای همراه بوده است ومدیران مدارس عالی بالاخره نفهمیده‌اند چرا تقاضای تعقیب سمیعی وطوسی ومعتمدی ونهاوندی تا این حد جناب وزیر را عصبانی کرده است.

نماینده کشاورزان درمجلس خبرگان

ابتدا اصل هشتم پیش‌نویس قانون اساسی را برای توجه بمطلب مطالعه فرمایند.

اصل ۸ ـ جمهوری اسلامی ایران بارعایت کامل موازین اقتصادی اسلام، صنعت وکشاورزی بومی را ترویج میکند، و در عین حال از همه علوم و فنون پیشرفته جهان در امر صنعت و کشاورزی نیز استفاده می‌نماید، البته با رعایت کامل استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور وجلوگیری از هرگونه وابستگی جامعه به دیگران و بدون التزام به‌پذیرش نظام اجتماعی حاکم برآنها.

اینک با توجه به نسبت جمعیت کشاورزان مملکت که اقلا" ۷۰ درصد مردم کشور ما را تشکیل میدهند و باید قوت لایموت همه مردم را فراهم سازند و با توجه باین حقیقت که اصل پیش‌بینی شده در قانون اساسی هرگز نمیتواند جوابگوی مسائل مربوط بکشاورزی وکشاورزان ایران باشد و بالتفات باین حقیقت که در لیست نامزد های گروههای گوناگون حتی یکنفر خبره کشاورزی معرفی نشده سئوال اینست که در مجلس خبرگان با مسائل کشاورزی کشور چگونه روبرو خواهیم بود و گنجاندن مصالح عالیه کشاورزی چگونه میسوراست شنیدیم انجمن کشاورزی ایران با مشارکت کمیلین قوم تشکیل شده است چرا آقایان ساکت هستند وازبرابر چنین امری عظیم وحیاتی بآسانی گذشته‌اند پاسخ هر مقام علاقمند باحیای کشاورزی کشور مایه امتنان نویسندگان پرخاش خواهد بود.

دعوتنامهٔ کنگرهٔ دانشجویان ایرانی مقیم امریکا از آزادیخواهان.

سازمان دانشجویان ایرانی درامریکا برای برگزاری بیست و هفتمین کنگرهٔ سالانهٔ این سازمان که بعد از شکست سقوط رژیم ضد ملی پهلوی درتاریخ ۲۴ الی ۲۷ مرداد (۱۵ تا ۱۸ اوت) به‌شکل وسیعی در شهر برکلی کالیفرنیا برگزارمیشود. ازتمام آزادیخواهان وآزاداندیشان مقیم امریکا دعوت به شرکت و همکاری کرده است.

درقسمتی از دعوتنامهٔ این کنگره آمده است وظیفهٔ هرمیهن ـ پرست واقعی ایجاب می‌کند که هوشیاری وآگاهی خودرا اراوضاع اجتماعی و سیاسی کشورمان بالا ببرد تا بتوانیم گامهای بعدی را در این راهپیمائی طولانی که در پیش است موءثرتر برداریم، این کنگره چنین فرصتی را فراهم میسازد.

دعوتنامه باجمله: زنده باد استقلال، زنده باد آزادی، زنده ـ باد عدالت اجتماعی پایان میگیرد.

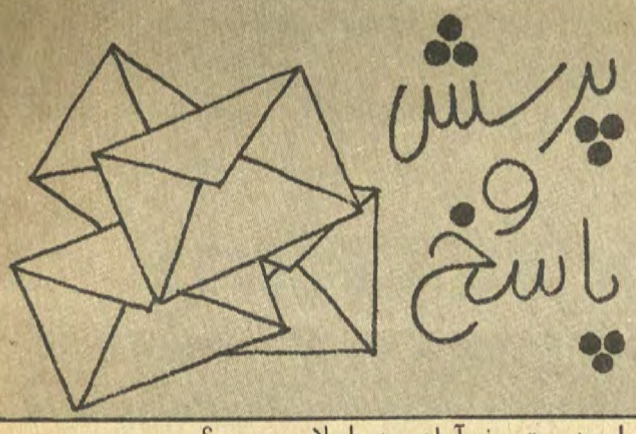

پوراحمد ـ تعریف آزادی در اسلام چیست؟

پرخاش ـ بمعنای وسیع تمام کلمه، تا آنجا که بگفته مجاهد بزرگ، آقای طالقانی، حتی، سلطه انبیا هم در اسلام ممنوع است.

محمود سرباز ـ این شعر فردوسی، شامل چگونه آدمهائیست؟

زیان کسان از پی سود خویش بجویند ودین اندرآرند پیش!

پرخاش ـ مشمول تمام کسانیست که: دین به دنیا فروشند! کسانی که تصویری از دین ریاکارانه میسازند و اسلام راستین را بدنام میکنند! همان کسانی که خوشبختانه در حکومت اسلامی ما نقشی ندارند و اگر دارند با آگاهی مردم و رهبری امام، ساحت دین از وجود آنان پیراسته خواهد شد...

لواسانی ـ آقا، ما آخر نفهمیدیم، براساس فقه اسلامی، موسیقی حلال است یا حرام؟

پرخاش ـ جواب سئوالتان را از آیت‌اله حائری یزدی، فقیه عالیقدر و دکتر در رشته فلسفه از دانشگاه امریکا، دریافت دارید:

"موسیقی و هر هنر دیگر دو جنبه دارد، یک جنبه تئوریک ویک جنبه اجرائی و عملی. جنبه تئوریک یعنی فلسفه هنر بکلی ازمرحله اجرا و عمل آن جدا است وبسیاری از فلاسفه شرق وغرب که به موسیقی توجه کرده‌اند بیشتر از جنبه تئوری بوده‌است.

ابوعلی سینا و فارابی هم درباب نظر فلسفه هنر تحقیق کرده‌اند. حال خودآنها مجری این فلسفه بوده‌اند یانه، مسئله دیگری است که درفلسفه آنها نمایان نیست. البته در تاریخ بعضی از فلاسفه اسلامی نوشته شده است آنها گاهی برای استراحت به موسیقی پناه میبرده‌اند.

درفقه اسلامی بین این دومرحله تئوری و عمل فرق گذاشته شده است و بهیچوجه معلوم نیست که تعلیم تئوری موسیقی در اسلام حرام باشد، و مسلما حرام نیست.

ازجنبه‌های عملی نیز روایات اسلامی چندین گونه است که این خود یک معمای فقهی را برای فقها بوجود آورده بعضی از فقها اینگونه تصور می‌کنند که حرمت موسیقی بعلت اختلاط نامشروع زن و مرد باشد، چنانکه در بعضی از روایات این نکته آمده است که چون در مجالس موسیقی معمولا زن و مرد بشکل نامشروع و نامطلوب آمیخته میشوند از این جهت موسیقی حرام است. بهر حال این مسئله ایست کاملا اجتهادی و مربوط به نظر مجتهدین عظام است. حتی بعضی از مجتهدین مطلق مانند فیض کاشانی غنا را جایز میدانسته اما از نظر جامعه اسلامی ماهر چندکه جامعه ما مسلما اسلامی است وچهره جامعه باید نمایانگر تمام ویژگیهای اسلام باشد. اما از طرفی هم چون بالاخره ما جامعه‌ای داریم که قبول اقلیت‌های مختلف را کرده است این بدان معناست که همه اقلیت‌ها میتوانند درپناه اسلام زندگی خودشان را همانطوریکه خودشان میخواهند ادامه دهند. بنابراین اقلیت‌های مذهبی ما نیز حق دارند که هم بطور خصوصی و هم در رسانه‌های عمومی از موسیقی‌هائی که بخود آنها ارتباط دارد استفاده کنند.

دانش نمی‌تواند با گذشته خود قطع رابطه نماید.

درشماره ۱۶ روز چهارشنبه ۳ مرداد ۵۸ پرخاش تحت عنوان چرا عاملان تباهی آموزش عالی تعقیب نمی‌شوند؟ آمده است که: آقای دکتر شریعتمداری گفته‌اند من برای تعقیب هیچکس بوزارت علوم نیامده‌ام و فقط ماموریت من اداره دانشگاه‌ها وموءسسات آموزش عالی است. در این باره به‌جناب آقای وزیر علوم باید گفت علم و ادب بی رابطه با گذشته خودبکلی سترون وعقیم است. دانش ما امروز در همه‌زمینه‌ها برپایه گذشته نهاده شده است. متاسفانه معلوم نیست چرا وزیر فرهنگ و علوم با گذشته می‌خواهد قطع رابطه نماید؟

اگر بوسیله کسی یا کسانی، درپی و بنیاد بنائی رخنه‌ها و شکاف‌ها و خرابی‌هائی ایجاد شود و شخصی بخواهد برروی آن ساختمانی از نو بسازد آیا نباید پیش از همه، درصدد ترمیم پایه‌ها و رفع خرابی‌های بنیادی آن بنا برآید؟ این امر راهر شخص ساده و کم تجربه‌ای بخوبی می‌داند وبنابراین نمی‌توان تصور نمود که وزیر علوم به آن توجه ندارند. بنابراین قطع رابطه با گذشته و ندیده گرفتن کارهای خطائی که در گذشته دراین وزارتخانه موجب فساد و خرابی و تباهی آموزش عالی کشور گردیده است، آیا به منزله صحه گذاشتن براین اعمال نمی‌باشد؟

تسلیت بدوست

با کمال تأسف اطلاع یافته‌ایم **خانم آزرمیدخت ساسانفر** والده ماجده دوست عزیز و آزاده ما آقای **عباس ساسانفر** هفته گذشته دور از یار و دیار برحمت ایزدی پیوسته‌اند.

آقای ساسانفر که از خدمتگزاران صدیق نهضت ملی ایران وازدوستان پایمرد پرخاش بشمار میروند مورد احترام دوستانند و غم ایشان غم همه دوستان.

درگذشت این مادر خیر و نیکوکار را بدوست خوبمان آقای ساسانفر تسلیت میگوئیم و در این غم بزرگ با ایشان شریک و همداستانیم.